نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و دوم، شماره ۶۶، پاییز ۱۴۰۱

بررسی و ارزیابی متغیرهای اقتصادی موثر بر قدرت ملی کشورها

دریافت مقاله: ۹۷/۱۲/۲۶ **پذیرش نهایی:** ۹۸/۷/۲۶

صفحات: ۲۶۹-۲۴۱

ریحانه صالح آبادی: دانشجوی دکتری جغرافیا سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
Email: Reyhane.salehabadi@gmail.com
محمدرضا حافظ نیا: استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران[1]
Email: hafezn_m@modares.ac.ir
سید هادی زرقانی: دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران
Email: H-zarghani@um.ac.ir
سیروس احمدی: استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
Email: sahmadi@modares.ac.ir

چکیده

قدرت ملی حاصل جمع جبری عوامل مثبت و منفی فراوانی است که از سرچشمه‌ها و منابع متعددی تشکیل شده است. یکی از منابع مهم قدرت ملی در جهان امروز که در دوره بعد از جنگ سرد اهمیت بسزایی یافت قدرت اقتصادی می‌باشد؛ که خود بستر ساز امور روبنایی دیگر مانند قدرت سیاسی، نظامی و ... محسوب می‌گردد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش میدانی به دنبال پاسخگویی به این سوال است که مهم‌ترین متغیرهای و شاخص‌های شکل دهنده به قدرت اقتصادی کشورها کدام‌ها هستند؟ یافته-های تحقیق با بررسی اسناد کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که چهار مولفه اصلی قدرت اقتصادی شامل امور زیربنایی، مبادله تولید، سطح تولید و منابع مالی می‌توانند بر قدرت اقتصادی تاثیرگذار باشند. در این بین ۶۱متغیر مرتبط با مولفه‌های چهارگانه نیز شناسایی شد. سپس با استفاده از پرسشنامه طیف لیکرت جهت اندازه گیری میزان اهمیت هر یکی از این متغیرها در اختیار صاحب نظران داخلی قرار گرفت. بر این اساس زیرساخت‌های اقتصادی، صادرات تکنولوژی سطح بالا، واردات مواد غذایی و ذخایر ارزی بین‌المللی دارای بیشترین درجه اهمیت بودند. و از سویی دیگر متغیرهایی ازجمله سهم فقیرنشینان در مصرف درآمد ملی، رقابت اقتصادی، مالکیت خارجی و هزینه‌های تجاری جرائم خشونت آمیز دارای کمترین درجه اهمیت بودند. در نهایت می‌توان بیان نمود کشورها برای رسیدن به اهداف و منافع ملی خود ناگزیر هستند به عوامل و متغیرهای قدرت آفرین در بعد اقتصادی توجه داشته باشند.

کلید واژگان: قدرت ملی، قدرت اقتصادی، سنجش، ارزیابی، ژئوپلیتیک

---

۱ **نویسنده مسئول:** تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیای سیاسی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]

[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

مقدمه

افزایش قدرت ملی با هدف رسیدن به امنیت و رفاه یک جامعه، نخستین اولویت هر دولت-ملت می‌باشد. امروزه در عصر جهانی شدن و ارتباطات، رقابت‌های گسترده‌ای در عرصه اقتصادی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در حال شکلگیری است. در واقع می‌توان بیان نمود که همچنان این قاعده نظریه واقع‌گرایی روابط بین‌الملل که بیان می‌کند قدرت یک کشور، به ویژه کشور همسایه از نظر دیگر کشورهای همجوار نوعی تهدید امنیت ملی محسوب می‌شود در بین کشورها حکم‌فرماست (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۵۰). بنابراین آنچه امروزه بر قدرت ملی کشورها تاثیر بسزایی نهاده است اقتصاد و سازوکارهای مرتبط با آن می‌باشد. با فروپاشی شوروی نظام بین‌الملل دوقطبی نیز از بین رفت. همزمان با این تحول عمده تغییر در زیرساخت‌های نظام بین‌الملل به وقوع پیوست و فرآیند جهانی شدن تحت عنوان حرکت آزاد سرمایه، کالا، خدمات، عقاید و اندیشه‌ها به واسطه انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات تعریف شد و از دهه ۱۹۹۰ با سرعت بیشتری گسترش یافت. این نظام اقتصادی که اساسا بر پایه جهانی شدن اقتصاد بازار و و تجارت آزاد شکل گرفته سیاست‌هایی نظیر ضرورت آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، حاکمیت سازوکار قیمت، جذب سرمایه‌های خارجی، تجارت آزاد و کنار گذاشتن نرخ مبادله ثابت را مطرح می‌کند (گرشاسبی، ۱۳۹۶: ۵). بنابراین می‌توان ملاحظه نمود که اقتصاد نقش مهمی بر قدرت یک کشور و مولفه‌های مرتبط با آن دارد. مفروض این پژوهش این است که در عصر جهانی شدن، کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به دنبال افزایش قدرت اقتصادی خود و جایگزین نمودن آن با قدرت نظامی هستند. بنابراین تمرکز پژوهش بر شناسایی وارزیابی متغیرهای موثر بر قدرت اقتصادی می‌باشد.

از لحاظ تاریخی جنبه‌های کلیدی قدرت چه سیاسی، ایدئولوژیک، نظامی یا اقتصادی درون دولت متمرکز می‌باشند. دولت-ملت بازیگر اصلی حکومتداری در عرصه داخلی می‌باشد. با توجه به عصر جهانی شدن و یکپارچگی اقتصادی می‌توان بیان نمود که اقتصاد می‌تواند در عرصه قدرت ملی نقش بسزایی ایفا نماید. امروزه اقتصاد در سطح محلی در تعامل با اقتصاد بین‌المللی و جهانی قرار گرفته است. که خود در برگیرنده بازیگران دولتی و غیردولتی می‌باشد (Keng, 2017: 956). بنابراین می‌توان بیان نمود که قدرت اقتصادی در توسعه حکومت جهانی در قرن بیست و یکم از اهمیت وافری برخوردار است. قدرت اقتصادی را می‌توان تحت عنوان مفهوم ژئواکونومیک در این مقاله مطرح نمود. در واقع توجه به این مفهوم با پایان یافتن جنگ سرد در حوزه مفهومی ژئوپلیتیک مورد توجه صاحب نظران قرار گرفت. بدین صورت که که ژئوپلیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک، رو به رویکردی اقتصادی آورد. با تغییر جهت مفهوم قدرت در جغرافیای سیاسی از سیاست به اقتصاد واژه ژئواکونومی برنهاده شد که منابع اقتصادی و قلمرو منابع طبیعی مهم ارزیابی می‌شوند. از ویژگی‌های مهم و تاثیرگذار در دوران حاکمیت ژئواکونومی، اهمیت اقتصاد در عرصه جهانی و تشکیل سازه‌های منطقه‌ای بر پایه اقتصاد در عرصه جهانی است (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۲۵۳). ژئواکونومی از بسترهای جغرافیای اقتصاد یک کشور محسوب می‌گردد که با رویکردی برون نگرانه بنیان‌های اقتصاد را در مناسبات قدرت تعریف و تبیین می‌کند. از سویی دیگر دولت-ملت‌ها از این طریق می‌تواند کنترل و اقتدار تمام منابع تولید و بخش‌های کلیدی اقتصادی را بدست بگیرد و به استحکام بخشیدن فعالیت‌های اقتصادی و قدرت

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

اقتصادی خود بپردازد (کرمی، ۱۳۹۶: ۵۶). از آنجایی که این مفهوم با فضا و قدرت در ارتباط است می‌تواند تاثیرات بسزایی بر قدرت و در نهایت قدرت ملی کشورها نیز داشته باشد. بنابراین ژئواکونومی نیز می‌تاوند ذیل مفهوم قدرت اقتصادی معنا و مفهوم می‌یابد. ژئواکونومی در واقع بیانگر قدرت خرید و قدرت بازار می‌باشد. باتوجه به تعریف سنتی قدرت در این نوع از قدرت می‌توان سه کاربرد را در نظر گرفت: قدرت یک مزیت است که به بازیگر توانایی ایفای نقش می‌دهد، قدرت خرید می‌تواند در برگیرنده کالا و خدمات باشد در نتیجه نشان دهنده ثروت است و در نهایت قدرت بازار که نشان دهنده ویژگی رقابتی بین بازیگران در مقیاس خرد و کلان می‌باشد. در این ارتباط قدرت اقتصادی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم توسط دولت‌ها به کار گرفته می‌شود. منظور از قدرت مستقیم بهره-گیری یک دولت از منابع اقتصادی با هدف تأثیرگذاری مستقیم روی رفتار دولت دیگر و واداشتن آن به انجام اقداماتی (با ابزارهای تحریم و تشویق) است که در شرایط عادی و به اراده خود آنها را انجام نمی‌داد. در مقابل، قدرت اقتصادی غیرمستقیم به تعبیر فونباشی قدرت پنهان و به تعبیر نای، قدرت نرم به توانایی شکلدهی محیط فعالیت اقتصادی با تسلط بر بازارهای بین‌المللی و وضع رژیم‌ها و نهادهای اقتصادی است که گزینه‌های سیاستی و رفتاری سایر دولت‌ها را در نظام بین‌الملل از پیش تعیین و محدود می‌کند. به عبارت دیگر، این نوع قدرت و هنجارهای عملکرد برای اقتصادی به توانایی یک دولت در برقراری «قواعد بازی» سایر دولت‌ها اطلاق می‌شود (سیف، ۱۳۸۹: ۵۱). به عنوان مثال می‌توان بیان نمود تهدید دسترسی به بازارهای جهانی و بین المللی، افزایش موانع تجاری، سختگیری در زمینه سرمایه گذاری‌های داخلی و خارجی و ... یکی از نمونه‌های اعمال قدرت اقتصادی توسط کشورها نسبت به سایرین می‌باشد (Chan, 2017: 245). قدرت در این زمینه بازتابی از میزان وابستگی اقتصادی (ادغام) بین کشورها یا گروهی از کشورها می‌باشد. بنابراین هرگونه اقدامی در زمینه قدرت اقتصادی می-تواند توانایی اعمال مجازات‌های اقتصادی و تهدیدات مرتبط با آن را چار تغییر و تحول نماید. عنصر دیگر قدرت اقتصادی در تمایلات کشورها نهفته است که نمود آن در مذاکرات بین‌المللی و همکاری در مورد توافقنامه‌های مشترک می‌باشد. بنابراین در مذاکرات جهانی قدرت اقتصادی می‌تواند بر تعاملات کشورها بر پایه حقوق بین المللی و رژیم حاکمیتی تاثیرگذار باشد. موافقت به عمل آمده می‌تواند از طریق مجموعه قوانین و استراتژی‌های مشترک در زمینه سرمایه گذاری داخلی و خارجی نمود یابد. قدرت اقتصادی در این مورد می‌تواند با اجبار و زور همراه باشد که پاسخگویی ائتلاف‌های بین گروهی را افزایش می‌دهد. بعد دیگر قدرت اقتصادی زمینه سازی در جهت معرفت شناختی است که در واقع همان مفهوم قدرت نرم جهت نفوذ بر سایر کشورها را تداعی می‌کند. برای تاثیرگذاری بیشتر این واژه اصولا از اصطلاح مشروعیت بهره رفته می‌شود. بدین صورت که رقبا متقاعد به حفظ منافع خود، عدم نقض قوانین بین‌المللی می‌شوند (Hahn, 2017: 58).

باتوجه به اینکه اقتصاد به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی مطرح می‌باشد. اقتصاد در تمام ابعاد یک جامعه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا استقلال جامعه و قدرت مقاومت آن در مقابل حوادث طبیعی و اجتماعی، شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر و ثبات سیاسی آن، بستگی به حل مشکلات و رفع کمبودهای اقتصادی آن جامعه دارد. همچنین، اقتصاد از حساسیت زیادی برخوردار است، بدین

معنی که یک تصمیم‌گیری به‌جا و به موقع، در ارتباط با امور اقتصادی می‌تواند جامعه‌ای را به عظمت و ترقی بکشاند، در مقابل یک تصمیم نسنجیده و حساب نشده موجب شکست نه تنها در بعد اقتصادی بلکه در بسیاری از زمینه‌ها خواهد شد. از سویی دیگر امروزه، قدرت بین کشورها براساس درجه تخصص و پیشرفت آنها در تولید کالاها و خدمات تعیین می‌شود. در جهان امروز، به‌جای درگیری و جنگ‌های خونین بین کشورها، دولت‌ها از سیاست تحریم اقتصادی جهت تحت فشار قرار دادن یکدیگر استفاده می‌نمایند تاثیر این امر طی چند ماه به‌سرعت در سیستم اقتصادی کشورها مشاهده می‌شود و زندگی میلیون‌ها نفر تحت‌تاثیر این امر قرار می‌گیرد. برآوردها نشان می‌دهد در آینده‌ای نزدیک و در ۲۰ سال آینده قدرت اقتصادی تنها بین ۱۲ کشور در دنیا توزیع خواهد شد و دیگر کشورها برای تامین نیازهای خود به‌شدت وابسته به آنها خواهند بود. بنابراین اگاهی از متغیرهای موثر بر قدرت اقتصادی و میزان و درجه تاثیرگذاری آنها بر قدرت ملی کشورها از اهمیت بسیاری برخوردار است. می‌توان ملاحظه نمود که این نوع قدرت در وزن ژئوپلیتیک کشورها نقش بسزایی دارد از این رو بررسی متغیرهای دخیل در آن از اهمیت برخوردار است.

مبانی نظری

تعریف و مفهوم قدرت ملی

قدرت عبارت است از ویژگی یک موجود که به او امکان انجام اقدامی را در جهت تمایلات و برآورده ساختن خواسته‌ها و اهدافش می‌دهد (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۲۰). قدرت می‌تواند امنیت را تضمین کند، رفتار دیگران را تغییر دهد، تهدید را دفع کند و ... در سطح ملی نیز قدرت همین آثار را در شکل وسیع و عالی‌تر به دنبال دارد (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۰: ۱۹۱). در ارتباط با قدرت ملی[1] نیز تعاریف گوناگونی ارائه شده است که مصادیق و عناصر متشکله قدرت ملی را از دیدگاه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار می‌دهند. یکی از این دیدگاه‌ها بیان می‌کند که: «قدرت زمانیکه در غالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود و در واقع در شکل یک کشور سازمان سیاسی نمود پیدا می‌کند، به عنوان قدرت ملی شناخته می‌شود. چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت کشور می‌باشد که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است.» (حافظ نیا، ۱۳۷۸: ۵).

تعریف و مفهوم ژئواکونومیک

ژئوپلیتیک از سه عامل اصلی جغرافیا، سیاست و قدرت تشکیل شده است. اقتصاد از سویی به عنوان یکی از ابعاد فضای جغرافیایی و از طرف دیگر یکی از ابعاد قدرت در نظر گرفته می‌شود. ژئوپلیتیک به‌طور ذاتی و ماهیتی در دو عنصر از سه عنصر تشکیل‌دهنده خود یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند خورده و آن را مورد تایید قرار می‌دهد. بنابراین اگر اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند خورد و با جغرافیا نیز در ارتباط مستقیم قرار گرفت، در حوزه علم

[1] National Power

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این‌صورت ژئواکونومی به‌عنوان بعد اقتصادی ژئوپلیتیک شکل خواهد گرفت که این عامل به عنوان زیر مجموعه جغرافیای سیاسی در نظر گرفته می‌شود (مختاری هشی، ۱۳۹۷: ۸۲). توجه و تاکید صاحب نظران به این این دیدگاه با تئوری ادوارد لوتواک که در سال ۱۹۹۰ میلادی پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد، شکل گرفت (ابراهیم زاده، ۱۳۹۳: ۷). می‌تاون اذعان نمود که در حال حاضر قدرت اقتصادی عاملی تعیین کننده برای ایفای نقش و جایگاه کشورها در نظام بین‌المللی دارد. زیرا مفهوم سنتی قدرت تا حدود زیادی تحت تاثیر مضمون جدید قدرت براساس توانایی‌های اقتصادی و تکنولوژیک قرار گرفته است (مینایی، ۱۳۸۴: ۱۷). در نهایت در این ارتباط می‌توان بیان نمود که ژئواکونومی اثرگذاری عوامل یا زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای و جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامـل در ساختار شکل‌گیرندۀ ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی را مطالعه می‌کند (زارعی، ۱۳۹۳: ۳۱۳).

اعظمی و همکاران در سال (۱۳۸۳)، در رساله خود با عنوان «الگویابی نظام قدرت در آفریقا» به بیان مدلی پرداخت. در این مدل هفت فاکتور اقتصادی، سیاسی-حکومتی، اجتماعی و ... گنجانیده شده است که از متغیرهای متعدد متنوع و جدید بهره گرفته شده است. در این مدل از روش‌های بدیع و ابتکاری برای سنجش قدرت ملی استفاده گردیده است اما به طور اخص به بررسی فاکتورهای اقتصادی موثر بر قدرت اقتصادی پرداخته نشده است. زرقانی و همکاران در سال (۱۳۸۵)، در رساله‌ای با عنوان «طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها» بیان می‌کنند که باید برای سنجش قدرت ملی به تمامی ابعاد قدرت (در قالب نه فاکتور اقتصادی، سیاسی، نظامی، فضایی، فرامرزی، سرزمینی، اجتماعی، علمی، فناوری و فرهنگی) توجه نمود. همانگونه که بیان گردید در این مدل نیز به فاکتورهای اقتصادی به طور اخص پرداخته نشده است. اعظمی در سال (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان «وزن ژئوپلیتیک و نظام قدرت منطقه‌ای (نمونه موردی جنوب غرب آسیا)» بیان می‌کند که این مقاله با استفاده از مدل ماتریسی، وزن ژئوپلیتیکی کشورها را بر اساس شاخص‌ها و عناصر مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سرزمینی و ... محاسبه و پس از آن کشورها را در سطوح مختلف قدرت طبقه بندی می‌نماید. زرقانی در سال (۱۳۹۲) مقاله‌ای با عنوان «سنجش و رتبه بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام» بیان می‌کند این پژوهش با مروری بر مدل‌های پیشین سنجش قدرت ملی و با استفاده از مدل جدید سنجش قدرت ملی، قدرت کشورهای جهان اسلام در قالب نه فاکتور اقتصادی، سیاسی، نظامی، فضایی، فرامرزی، سرزمینی، علمی و فناوری، اجتماعی و فرهنگی بررسی و ارزیابی شده است. بر این اساس، ضمن مشخص کردن رتبه کشورهای جهان اسلام از نظر میزان قدرت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... به مقایسه رتبه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مذکور در هریک از فاکتورهای نه گانه و همچنین در مجموع فاکتورهای میزان قدرت ملی پرداخته شده است. هان[1] در سال (۲۰۱۱) در رساله‌ای با عنوان «اندازه گیری قدرت ملی و ژئوپلیتیک» بیان می‌کند عوامل اقتصادی، نظامی، فضایی-جمعتی نقش بسزایی در قدرت ملی کشورها دارند. که تغییراتی در رتبه بندی کشورها مشاهده شد. به طور مثال ایالات متحده امریکا در

1 Höhn

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

امور نظامی دارای رتبه نخست است و در امور اقتصادی ایالات متحده آمریکا، آلمان و زاپن دارای رتبه اول در جهان هستند، در امور فضایی-جمعیتی هند در رتبه نخست قرار دارد.گی و همکاران [1]در سال (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان « اندازه گیری قدرت ملی مطالعه موردی چین و کشورهای همسایه» بیان می‌کنند که قدرت ملی نیازمند یک شاخص جامع و تعدیل کننده است. این مقاله از فاکتورهای نظامی، طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیکی بهره می‌گیرد. از سوی دیگر از نقشه برای تجسم قدرت ملی کشر چین در مقایسه با همسایگانش بهره گرفته شده است. براساس اندازه گیری مشخص شد که ابتدا چین و سپس ژاپن، روسیه، کره جنوبی و هند دارای قدرت در منطقه هستند. اشلی[2] در سال (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «پایه‌های قدرت ملی در آسیا و اقیانوس آرام» بیان نمود که عملکرد ملی تابعی از قدرت اقتصادی است. بنابراین کشورهایی که به خوبی از منابع طبیعی خود استفاده می‌کنند مانند روسیه، چین و اندونزی قادر خواهند بود در سطح بالایی از قدرت ملی قرار گیرند. کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی نیز تولیدات صنعتی باعث افزایش قدرت ملی و در نتیجه عملکرد آنها شده است. مروزسکا و کلاوس[3] در سال (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «جنبه‌های امنیت جهانی - اندازه گیری قدرت و طرح آن نتایج حاصل از بیست کشور انتخاب شده در طول سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۳» بیان می‌کنند که بیست کشور از نظر اندازه، وسعت، منابع و مخارج اقتصادی قابل بررسی هستند. یوزاصلان[4] در سال (۲۰۱۶) در کتابی با عنوان «مفهوم قدرت نرم و شاخص های قدرت نرم» بیان می‌کند اساسا دولت‌ها به قدرت سخت و نظامی خود توجه بسزایی دارند در حالیکه امروزه قدرت نرم در عرصه اقتصادی و نظامی حائز اهمیت شده است. نای یکی از اندیشمندانی است که به این موضوع توجه بسیاری داشته است و توانسته اند مطالبی متناسب با نیازهای امروز نظم جهانی بیان نماید. منابع قدرت نرم در کشورهای مختلف دارای اهمیت بسیاری است زیرا مردم با اراده آزاد خود آن را بر می‌گزینند. بنابراین امروزه کشورها به این منابع توجه بسیاری داشته‌اند و در تلاش برای توسعه منابع قدرت نرم خود هستند. در این مقاله به صورت نظری به بررسی منابع قدرت نرم و مقایسه آن در کشورهای مختلف پرداخته شده است.

بنابراین می‌توان ملاحظه نمود که امروزه بررسی نقش متغیرهای قدرت اقتصادی در افزایش و کاهش قدرت ملی کشورها حائز اهمیت است. به دلیل تأثیرگذاری شرایط اقتصادی بر ابعاد مختلف توسعهٔ اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... همواره شناسایی وضعیت اقتصادی و ارتباط آن با سایر مقوله‌ها از اهمیتی خاص برخوردار بوده است (نوروزی، ۱۳۹۴: ۲). در واقع می‌توان بیان نمود، امروزه اقتصاد جهانی در حال تبدیل شدن به یک واحد همگراست. نتیجه وضعیت فوق این است که امکان نظم بخشیدن به اقتصاد کشورها در چارچوب ملی تضعیف و نظام جهانی اقتصاد جایگزین آن می‌شود. حتی نظریه‌پردازان جدید ملی‌گرا نیز با تمام انتقاداتی که به این مسئله دارند، بر این باورند که «جهانی شدن اقتصادی به معنای وابستگی متقابل تشدید شده بین اقتصادهای ملی است. جهانی شدن اقتصاد به معنای تغییر کیفی به‌سوی اقتصاد جهانی است که دیگر برمبنای اقتصادهای ملی خودمختار قرار ندارد، بلکه بیشتر

1 Liao& Dong& Liu & Ge
2 Ashley
3 Clowes &Mrozowska
4 Kiymet Yavuzaslan

برمبنای بازار جهانی منسجم تولید، توزیع و مصرف واقع است» (شفائی، ۱۳۹۵: ۳۸). بنابراین شناسایی و بررسی متغیرهای موثر بر قدرت اقتصادی و ارزیابی و تعیین درجه اهمیت آنها می‌تواند نقش مهمی بر کاهش یا افزایش قدرت ملی کشورها داشته باشد.

روش تحقیق

این پژوهش از حیث روش توصیفی–تحلیلی می‌باشد. و با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی به دنبال پاسخگویی به این سوال است که مهم‌ترین متغیرهای شکل دهنده قدرت اقتصادی که نقش مهمی بر قدرت ملی کشورها دارند کدام‌اند؟ برای پاسخ به سؤال، اطلاعات به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است؛ بدین ترتیب که، در بخش مطالعه کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع معتبر و مرتبط چون کتب، مقالات، گزارش‌های سازمانهای ملی و بین‌المللی، طرح‌های پژوهشی .... مهم‌ترین متغیرها و شاخص‌های مؤثر بر قدرت اقتصادی کشورها استخراج شد. این ۶۱ شاخص، بر حسب ماهیت و کارکرد آنها در قالب ۴ فاکتور شامل فاکتور زیربناهای تولید، مالی و اقتصادی، سطح تولید و مبادله تولید طبقه‌بندی گردیدند. درمرحله بعد و در قالب بخش مطالعه میدانی، پرسشنامه‌ای از نوع محقق ساخته به تعداد ۶۱سؤال بر اساس طیف لیکرت طراحی گردید. سپس با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای پژوهش، تلاش شد تا در تکمیل پرسشنامه از اساتید و صاحب نظران رشته‌های مختلف جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، مدیریت نوآوری، اقتصاد و روابط بین‌الملل استفاده شود؛ بر این اساس، پرسشنامه به صورت حضوری، ارسال ایمیل و همچنین پرسشنامه آنلاین در اختیار بیش از ۱۵۰ نفر از صاحب نظران در رشته‌های مذکور گردید. از این تعداد پرسشنامه، ۴۰ عدد پرسشنامه تکمیل شده تحویل گرفته شد و مبنای تجزیه و تحلیل میدانی قرار گرفت.

نتایج

یافته‌های کتابخانه‌ای تحقیق متغیرهای موثر بر قدرت اقتصادی

شاخص زیربناهای تولید و تاثیرات آن بر قدرت ملی

هر کشوری برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و شرط لازم برای سرمایه‌گذاری، پس‌انداز است. در واقع فرض بر این است که رشد اقتصادی لازمه‌اش پس‌انداز است که باید به سرمایه‌گذاری تبدیل شده و به دنبال خود افزایش تولید و رشد اقتصادی را به بار آورد (مجتهد، ۱۳۸۲: ۲). چنانچه به پس‌انداز از دید تشکیل سرمایه بنگریم، مناسب‌ترین مفهوم پس‌انداز است؛ زیرا پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در دنیای واقعی جدا از هم نیستند. به عبارت دیگر همان کالا و خدماتی که بر اثر خودداری افراد جامعه از خرج کردن همه درآمد یا بر اثر پس‌انداز به مصرف نرسیده است، می‌تواند تبدیل به سرمایه‌گذاری شود. آدام اسمیت[1] تاکید می‌کند که تمرکز سرمایه قبل از شروع روند تقسیم کار صورت می‌گیرد. اسمیت از تمرکز سرمایه به مثابه شرط لازم برای توسعه

[1] Smith

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

اقتصادی یاد می‌کند. بنابراین حل مشکل توسعه اقتصادی تا حد زیادی بستگی به توانائی‌های مردم به پس‌انداز بیشتر و سرمایه گذاری‌های بیشتر در یک کشور دارد. به عقیده وی نرخ سرمایه‌گذاری از طریق نرخ پس انداز تعیین می‌شود و تمام پس‌اندازها نیز سرمایه‌گذاری می‌شوند، در نتیجه زمانی اقتصاد در حالت تعادل است که میزان پس-اندازها برابر با سرمایه گذاری‌ها باشد (هوشمندی، ۱۳۸۹: ۲). از این رو توجه به این متغیر در راستای افزایش یا کاهش قدرت کشورها از اهمیت وافری برخوردار است. تحرک در زمینه کسب و کار نیز نقش بسزایی در بستر تجاری کشورها ایفا می‌نماید. ارائه نیروی کار همراه با سطح جدیدی از آزادی ارتباطات از مزایای تحرک کسب و کار محسوب می‌گردد. این عامل خود می‌تواند بر استراتژی‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی یک کشور تاثیرگذار باشد (Gunnarsson, 2017: 2).

در ارتباط با متغیر زیرساخت اقتصادی و نقش آن در افزایش یا کاهش قدرت ملی می‌توان اینگونه بیان نمود که رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای به وجود زیرساخت‌های فیزیکی برای تولید و توزیع کالاها و خدمات، بین عامه مردم و بنگاه‌ها بستگی دارد، به طوری که قدرت اقتصاد ملی به توانایی و موجودی زیرساخت آن وابسته است و کیفیت و کارایی این زیرساخت‌ها بر تداوم فعالیت‌های تجاری و اقتصادی جامعه و کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی موثر است (اکبریان، ۱۳۹۰: ۱۵). زیرساخت‌های اقتصادی در واقع شامل مجموعه تسهیلات عمومی مرتبط با یکدیگر که امکانات جابه‌جایی و حمل و نقل، تامین امنیت و سرپناه، ارائه خدمات و برقراری خدمات رفاهی را میسر می‌کند مانند مجموعه بزرگراه‌ها، پل‌ها، راه آهن‌ها و جاده‌های حمل و نقل کالا (Stupak, 2017: 8) و در عین حال، شبکه فاضلاب، سیستم آبرسانی و مخازن تامین آب را هم شامل می‌شوند و نیز شامل سدها، آب بندها، راه‌های آبی و بنادر هم هستند. علاوه بر این در برگیرنده مراکز تولید برق، گاز و نیرو نیز می‌باشند (احتشامی، ۱۳۸۲: ۵۹). در صورت عدم کارایی احتمالی زیرساخت‌ها، نحوه تامین مالی زیرساخت‌ها نیز با مشکل مواجه می‌شود. از سویی دیگر از آنجا که این زیرساخت‌ها در اقتصاد به عنوان مکمل تولیدی به کار برده می‌شوند، باید یک تعادل بین زیرساخت-های اقتصادی و دیگر عوامل تولید برقرار باشد، در غیر این صورت این عامل در جهت رشد منفی اقتصادی عمل می‌نماید. نظریه‌های توسعه اقتصادی نشان می‌دهد که کاهش سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌های اقتصادی انعطاف‌پذیری در جهت توسعه مالی کشورها را کاهش می‌دهد به طوری که بخش خصوصی تمایلی به جذب سرمایه در بازار اقتصادی نخواهد داشت (García, 2017: 8). از آنجایی که وجود این زیر ساخت‌ها بر رشد اقتصادی و تولید کل به طرق مثبت اثر می‌گذارند می‌توانند به عنوان متغیر دخیل در افزایش یا کاهش قدرت ملی یک کشور ایفای نقش نمایند.

بر مبنای بررسی تجربیات کشورهای مختلف، بسیاری از صاحب نظران اقتصادی بر این باورند که به تدریج از نقش و اهمیت سرمایه فیزیکی کاسته شده و توجه به سرمایه انسانی، به عنوان عامل کلیدی رشد اقتصادی، افزایش یافته است (Hulten, 2018: 9). بنابراین، اهمیت روزافزون سرمایه انسانی موجب شده است که نقش کمیت و به‌ویژه کیفیت نیروی کار بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گیرد تا سهم و تأثیر این عامل مهم بر رشد اقتصادی به درستی مشخص شود. آموزش، سلامت و تجربه ابعاد اصلی سرمایه انسانی به‌شمار می‌آیند که منجر به بهبود و ارتقاء بهره

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

وری افراد در بازار کار می‌شود (عمادزاده، ۱۳۸۸: ۲). افراد آموزش دیده و با مهارت بالا یکی از مهمترین عناصر لازم برای رشد و توسعه اقتصادی به حساب می‌آیند. به همین دلیل گروهی از اقتصاددانان، با استفاده از توابع تولید، کوشیدند تا تولید اضافی ایجاد شده توسط نیروی کار ماهر را برآورده سازند. استدلال آنان این بود که افزایش سطوح آموزشی و افزایش مهارت نیروی کار، تولید مادی را بالا برده و به ازای هر دلار اضافی سرمایه‌گذاری شده، تولید ناخالص ملی تقریبا به اندازه نرخ آموزش و مهارت ضرب در سهم نیروی کار در تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد. در نتیجه وجود افراد آموزش دیده و با مهارت بالا باعث می‌شود که ظرفیت تولیدی کل اقتصاد بالا رود و در نهایت به رشد اقتصادی کمک کند (عمادزاده، ۱۳۹۲: ۴). امروزه می‌توان مشاهده نمود که، تمامی کشورهایG20 توسعه مهارت‌های نیروی کار را به عنوان یک هدف استراتژیک برای خود مشخص نموده‌اند و در جهت افزایش سرمایه‌گذاری در مهارت‌های نیروی کار گام‌های موثری برداشته‌اند. کشورهای مختلف بر این عامل به دلیل ایجاد قدرت نسبی در تولید نوآوری توجه وافری دارند. زیرا توسعه مهارت‌ها و توانایی‌های نیروی کار فرصت ارائه بیشتر خلاقیت، رضایتمندی در کار و رفاه را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال برآوردها از کشورها اروپایی نشان می‌دهد که افزایش ۱٪ آموزش نیروی کار منجر به بهره‌وری ۳٪ و در نهایت رشد اقتصادی ۱۶٪ شده است. از سویی دیگر توجه به این امر سبب افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی شده در نتیجه افزایش رشد شغلی، ریشه کن نمودن بیکاری و بی‌کفایتی، افزایش دستمزدها، استفاده از فرصت‌های بازار کار و ... را به دنبال دارد (International Labour Organization, 2011: 9).

در ارتباط با جریان سرمایه می‌توان بیان نمود که این عامل برای توسعه پروژه‌های زیربنایی مانند جاده‌ها، فرودگاه-ها، بندرگاه‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس از اهمیت وافری برخوردار است. بنابراین جریان سرمایه به عنوان یک عامل مهم برای توسعه محسوب می‌گردد. در واقع جریان سرمایه در نظریه رشد اقتصادی نئوکلاسیک‌ها نشان‌دهنده آزادسازی سرمایه‌های کشور میزبان به‌ویژه کشورهای در حال توسعه در جهت جذب سرمایه‌های خارجی برای رونق رشد اقتصادی است. آنها ادعا می‌کنند جریان سرمایه رشد اقتصادی را ترویج می‌نماید زیرا این عامل مکمل منابع داخلی و خارجی و به عنوان عاملی ارتباط دهنده محسوب می‌گردد. علاوه بر این، جریان سرمایه سبب جذب سرمایه خارجی شده و از این رو، سرمایه خارجی فرصت دسترسی به بازار را افزایش داده و شکاف ارزی را متوقف می‌نماید و از سویی دیگر تضمین‌کننده دسترسی به تکنولوژی مدرن و دسترسی به مهارت‌های مدیریتی می‌باشد (Adams, 2017: 5). در نهایت می‌توان اذعان کرد جریان سرمایه افزایش رشد اقتصادی از طریق گسترش دانش و اثرات بازدهی بازار را سبب می‌شود. بازده بازار در برگیرنده سرمایه انسانی، سیاست تجاری، تکنولوژی و توسعه بخش مالی می‌باشد. طبق گزارش بانک جهانی (۲۰۱۵) تحرک سرمایه در کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۱۳ با ۶٪ افزایش همراه بوده است. که از این میزان جریان‌های خالص در مجموع ۱،۸۱۴میلیارد دلار، ۱۰٪ بالاتر از سال ۲۰۱۲ است. جریان سرمایه کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۱۳ به ۵۴۲میلیارد دلار افزایش یافته است که در مقایسه با سال قبل افزایش ۲۲٪ را نشان می‌دهد. در رابطه با جریان سرمایه خصوصی انتقال پول و سرمایه‌گذاری خصوصی نشان‌دهنده یک منبع مهم برای توسعه کشور است (World Bank, 2015). در واقع جریان سرمایه نه تنها

منافع زیادی را برای یکپارچگی مالی فراهم می‌آورند بلکه چالش‌های اقتصادی کلان کشورها را نیز حل و فصل می‌نمایند (Rusticelli, 2011; 48). کشورهایی که از درجه تحرک مالی بالایی برخوردار هستند قادر به تقسیم درآمد، صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس (Alley, 2017: 9)، آرام نمودن محدودیت‌های اعتباری، تخصیص سرمایه و بهره‌وری و ... هستند (Igan, 2016: 5). عدم توجه به این عامل می‌تواند بی ثباتی داخلی را برای کشورها از طریق ورود شوک‌های خارجی و نوسان‌پذیری بازار ارز ایجاد نماید (Fernandez, 2015: 21). بنابراین، این عامل با توجه به مطالبی که ذکر شد می‌تواند در افزایش یا کاهش قدرت ملی موثر باشد.

هدف اصلی بهره‌وری کالا، عبارت است از به حداکثر رسانیدن استفاده از منابع، نیروی انسانی، سرمایه، موادخام تولیدی، زمان و... به شیوه‌ای عملی و با کاهش هزینه‌های تولید، به منظور گسترش بازار، افزایش اشتغال، کوشش برای افزایش دستمزدهای واقعی و بهبود معیارهای زندگی، به شکلی که به نفع کارکنان، مدیران و مصرف کنندگان باشد. به عبارت دیگر بهره‌وری نگرشی فرهنگی است که در آن، انسان، فعالیت‌های خود را هوشمندانه -خردمندانه انجام می‌دهد تا بهترین نتیجه را در جهت دست‌یابی به اهداف مادی و معنوی به دست آورد. از آن‌جاکه منابع یک کشور عموماً محدود است، افزایش بهره‌وری به عنوان یک ضرورت اساسی برای ارتقای استاندارد زندگی یک ملت، اهمیت پیدا می‌کند. در جهان امروز، با توجه به محدودیت عوامل مختلف تولید، نیاز به بهره‌وری بیشتر، چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای در حال توسعه امری حیاتی و ضروری است. معیار توسعه‌یافتگی هرکشوری به میزان بهره‌گیری مطلوب و بهینه از منابع و امکانات موجود در جهت نیل به اهداف اقتصادی آن، تعریف می‌شود. این موضوع بیانگر جایگاه ویژه بهره‌وری در سیاست‌های کلان توسعه اقتصادی کشورهاست. نقش مثبت بهره‌وری در افزایش رفاه ملّی اکنون به طور قطعی پذیرفته شده است. از آن‌جا که بهره‌وری، عاملی برای رشد تمام معیارهای زندگی به شمار می‌آید، رشد بهره‌وری، نباید تنها اهداف تجاری و افزایش سود در کسب و کار را مد نظر داشته باشد؛ بلکه باید تمام جوانب زندگی و همه بخش‌های جامعه را در برگیرد. عموما از عوامل تعیین کننده بهره‌وری کالا می‌توان از فناوری متمرکز نام برد که در بلند مدت تغییرات اساسی در میزان رشد بهره‌وری کالاها ایجاد می‌نماید (Kataryniuk, 2017: 15). بهره‌وری در بخش کالا به عنوان سرمایه‌گذاری تولیدی شناخته می‌شود (Fernald, 2009: 48). که می‌تواند امر صادرات را نیز در حیطه نفوذی خود قرار دهد. در واقع می‌توان اذعان نمود، هنگامی که یک کشور در صادرات برخی از کالاها در عرصه بین‌المللی به صورت تخصصی عمل می‌نماید و میزان بهره‌وری کالاهای آن در سطح بالایی قرار دارد، در عین حال که تصدیق مردم را به دنبال دارد از نظر اقتصادی سبب رشد و توسعه کشور نیز می‌گردد (Huerta, 2016: 5). بهره‌وری کالا و رشد اقتصادی سبب گسترش صادرات، تشکیلات تجاری و نیز اقتصاد، به کشف‌های جدید در مدیریت اقتصادی و بهبود تکنولوژی و شیوه‌های بهتر تولید تشویق می‌شوند، بنابراین فرصت‌هایی که پیش از آن نادیده گرفته می‌شدند، به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می‌شوند (آذربایجانی، ۱۳۹۰: ۱۷۱).

در ارتباط با سهم GDP از مجموع GDP جهانی می‌توان اذعان نمود این شاخص نشان‌دهنده مبادله بین‌المللی کالا-ها و خدمات است (World Economy, 2015: 6). اقتصاد جهانی صرفا مجموعی از اندازه‌گیری کشورهای مختلف

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

است که فراتر از حداقل استاندارد مربوط به ارزش در تولید قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه این شاخص، هزینه‌های نسبی کالا، خدمات و نرخ تورم کشورها را در نظر دارد (ICP, 2014: 4) می‌تواند برای سنجش قدرت ملی موثر باشد. در ارتباط با تولید ناخالص داخلی نیز می‌توان بیان نمود که این شاخص نشان‌دهنده ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور، در طی دوره‌های زمانی مختلف است. باتوجه به اینکه این عامل با استانداردهای زندگی ارتباط نزدیکی دارد، احتمالا بهترین شاخص برای نشان دادن رشد اقتصادی یک کشور می‌باشد. از آنجایی که این شاخص به سیاستگذاران، اقتصاددانان و کارشناسان اجازه می‌دهد تا تاثیر متغیرهایی نظیر سیاست‌های پولی، مالی، شوک‌های اقتصادی مانند افزایش قیمت نفت، برنامه‌های مالیاتی و هزینه‌های کل اقتصاد را بررسی نمایند می‌تواند (Picardo, 2016: 2) بر قدرت ملی کشورها موثر هستند. دیگر شاخص موثر بر قدرت ملی تولید انرژی الکتریکی است. در تحلیل تئوری‌های جدید رشد، علاوه بر دو نهاده نیروی کار و سرمایه نهاده انرژی نیز به مدل‌های رشد اضافه شده است (فاضلی، ۱۳۹۲: ۳). در این بین تولید انرژی الکتریکی یک نیاز اساسی برای رشد اقتصادی به شمار می‌آید؛ به‌طوری که بدون توسعه شبکه‌های برق، رشد صنایع به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه کشورها متوقف می‌شود. از این رو تولید به موقع و به اندازه انرژی الکتریکی مورد نیاز مردم و صنایع، مهم‌ترین دغدغه دولت‌ها است که علاوه بر نقش انکارناپذیر آن در توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی، نقش بسزایی در امنیت ملی ایفا می‌نماید (صادقی، ۱۳۹۲: ۴۸). از سویی دیگر انرژی برق از مهم‌ترین نهاده‌های مورد استفاده در بخش صنعت است و تأمین آن به اندازه کافی، می‌تواند در رشد تولیدات این بخش مهم باشد. از این رو، با توجه به اهمیت رشد صنعتی در فرایند توسعه اقتصادی که با تلاش در جهت افزایش ظرفیت تولید برق می‌توان با ایجاد تحولات ساختاری در اقتصاد، فرایند توسعه اقتصادی را تسهیل نموده و زمان گذار از اقتصاد دوگانه را کوتاه‌تر سازد. افزودن بر ظرفیت تولید برق کل این امکان را فراهم می‌کند تا بخش صنعت که نیاز حیاتی به انرژی الکتریکی دارد، سهم خود را از تولید کل افزایش داده و از سهم بخش کشاورزی در اقتصاد ملی و میزان وابستگی به کشاورزی کاسته شود و ایران به یک اقتصاد صنعتی نزدیک‌تر گردد (متوسلی و مهربانی، ۱۳۹۰: ۷۲).

در ارتباط با شاخص میزان ارائه خدمات دولت در بهبود کسب و کارهای می‌توان بیان نمود، زمانی که مکانیزم موجود در بازار به‌درستی نقش خود را ایفا نکند و نتواند ظرفیت‌ها و امکانات موجود را به‌طور کامل به‌کار گیرد یا مزیت‌های رقابتی جدید را توسعه بخشد یا کارگزاران اقتصادی قادر نباشند با شرایط و اطلاعات موجود نسبت به امر سرمایه‌گذاری تصمیم‌گیری نمایند؛ در آن هنگام دخالت دولت در راستای ایفای نقش نظارتی و تنظیم‌کنندگی بازار الزامی می‌باشد. البته این دخالت می‌بایست به نحوی باشد که دولت بتواند نسبت به طراحی به‌کارگیری و نظارت بر سیاست‌هایی که ضعف‌ها و ناتوانی را جبران کند اقدام نماید (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۰). برخی از اقداماتی که دولت‌های می‌توانند انجام دهند بدین شرح است: کاهش نرخ بهره، کاهش نرخ ارز، تأثیر مثبت در تراز پرداخت‌ها، افزایش مالیات، بهبود توزیع درآمد و انتقال تکنولوژی، حمایت از سهامداران خرد، تسهیل در شروع کسب و کار و سهولت مراجع قانونی در صادرکردن مجوزها. کیفیت ارائه خدمات با توجه به آمارهای کمی مرتبط با گمرک، محموله‌های بین‌المللی، تدارکات مناسب، پیگیری و ردیابی و به موقع بودن ارسال کالا بررسی می‌شود. امروزه رقابت برای بهبود

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

کیفیت ارائه خدمات به عنوان یک مسئله راهبردی و اصولی برای کشورهایی که در بخش خدمات فعالیت می‌کنند شناخته شده است. کشورهایی که به سطح بالاتری از ارائه کیفیت خدمات دست می‌یابند، سطوح بالاتری از رضایتمندی مشتریان را به عنوان مقدمه‌ای برای دستیابی به مزیت رقابتی پایدار به دست خواهند آورد و از دیگر سو سبب افزایش کسب درآمد و سودآوری و رشد و توسعه اقتصادی می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۹: ۹۰). از دیدگاه ارزش بهینه در ارزیابی کیفیت خدمات در بخش دولتی باید انتظارات مشتریان را به اندازه ادراکات از خدمات مد نظر قرار داد. در کشورهای در حال توسعه به دلیل متفاوت بودن شرایط بازار فروش توجه به کیفیت ارائه خدمات مورد غفلت قرار گرفته است. بخشی از این بی توجهی و بی علاقگی ناشی از این امر است که از گذشته درک اندکی از تمایز بین مدیریت خدمات و مدیریت سازماهای تولید وجود داشته است (ایرانشاهی، ۱۳۹۳: ۴). بنابراین کشوری که از سطح بالای ارائه خدمات برخوردار است با دارابودن مزیت‌های نسبی در انتقال و ترخیص کالاها و ... می‌تواند از سرعت عمل بالاتری نسبت به سایر کشورها برخوردار بوده و در نتیجه در عرصه ملی و بین المللی قدرت خود را از طریق افزایش رضایت مشتریان، گسترش اندازه بازار، رونق اقتصاد محلی و ... تقویت نماید.

جدول (۱). شاخص‌های زیربنایی قدرت اقتصادی

شاخص	منابع
پس انداز ملی از GDP	بانک جهانی (۲۰۱۶)
تحرک کسب و کار	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
رتبه در زیرساخت های اقتصادی	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
مهارت نیروی کار فعلی در اقتصاد	گزارش توسعه اقتصاد جهانی (۲۰۱۵)
مهارت نیروی کار اینده در اقتصاد	گزارش توسعه اقتصاد جهانی (۲۰۱۵)
جریان سرمایه	گزارش اقتصاد تجاری (۲۰۱۷)
تولید آب	The World Factbook (۲۰۱۱)
بهره وری کالا	گزارش تجارت جهانی (۲۰۱۷)
رتبه در بهره وری نیروی کار	گزارش تجارت جهانی (۲۰۱۷)
نرخ تورم	بانک جهانی (۲۰۱۶)
نرخ بیکاری	بانک جهانی (۲۰۱۶)
سهم GDPاز مجموع GDPجهانی	بانک جهانی (۲۰۱۶)
GNI	بانک جهانی (۲۰۱۵)
تولید ناخالص داخلی	بانک جهانی (۲۰۱۷)
تولید سرانه	بانک جهانی (۲۰۱۷)
نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی	بانک جهانی (۲۰۱۶)
تعداد نیروی انسانی تولید	The World Factbook (۲۰۱۷)
تولید انرژی الکتریکی	World Development Indicators (۲۰۱۷)
حمل و نقل دریایی	UNCTAD (۲۰۱۷)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

حمل و نقل هوایی	بانک جهانی (۲۰۱۶)
حمل و نقل ریلی	بانک جهانی (۲۰۱۵)
ارائه خدمات دولتی برای بهبود عملکرد کسب و کار	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
سهم فقیرنشین در مصرف ملی یا درآمد	گزارش توسعه انسانی (۲۰۱۶)
نرخ برابری پول داخلی با دلار آمریکا	International Financial Statistics (۲۰۱۶)
نرخ فعالیت اقتصادی زنان ۱۵ سال به بالا	بانک جهانی (۲۰۱۷)
رتبه در شاخص(ضریب) جینی (Gini)	بانک جهانی
ترکیب بخش تولید کشاورزی، صنعت، خدمات	The World Factbook (۲۰۱۷)
هزینه‌های سیاست کشاورزی	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
توزیع مقرون به صرفه منابع	موسسه اقتصاد و صلح (۲۰۱۷)
ناشناخته بودن محیط کسب و کار	موسسه اقتصاد و صلح (۲۰۱۷)

منبع: نگارندگان

شاخص سطح تولید و تاثیرات آن بر قدرت ملی

توسعه بازار سرمایه یکی از متغیرهای دخیل در قدرت ملی می‌باشد که در ارتباط با سطح تولید معنا می‌یابد. بازار سرمایه کانالی برای صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس سرمایه گذاران نهادی، کسب و کارهای کوچک، دولتی و اشخاص حقیقی هستند. بازار سرمایه برای عملکرد اقتصادی یک کشور امری بسیار حیاتی محسوب می‌شود و مولفه مهمی برای تولید اقتصادی و خروجی‌های بازار شامل بازار اولیه و بازارهای ثانویه است (Idenyi, 2017: 2). اهمیت بازار سرمایه به عنوان کانالی کارامد برای توسعه مالی کشورها توسط بسیاری از محققان و متخصصان شناخته شده است. ابزارهای مالی فراهم شده توسط بازارهای سرمایه می‌تواند، بر رشد اقتصادی در یک اقتصاد مدرن باتوجه به سرمایه‌های خارجی مولد تاثیرات بسزایی داشته باشد (Edame, 2013: 45). در واقع می‌توان اذعان نمود که بخش مالی نقش اساسی در توسعه و رشد اقتصادی کشورها ایفا می‌نماید. و این بازارها به دلیل ایفای نقش واسطه‌ای در تخصیص منابع به همه بخش‌های اقتصادی از طریق کاهش هزینه تأمین مالی و نیز تشویق پس‌اندازها و استفاده مناسب و بهینه از آنها، سهم عمده‌ای در رشد طولانی مدت اقتصادی کشورها ایفا می‌نمایند. علاوه بر ادبیات توسعه مالی، نظریه‌های رشد کلاسیک جدید شامل نظریات (لوکاس، رومر، ریبلو، گراسمن و هلپمن) نیز به صورت ضمنی بر اهمیت تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأکید نموده است و بیان می‌نماید که کارکردهای مالی از دو کانال، انباشت سرمایه و ابداعات تکنولوژی بر رشد اقتصادی کشورها موثر است. از سوی دیگر، براساس تئوری و نظریه‌های اقتصادی، رشد اقتصادی با افزایش ظرفیت تولید و سرمایه‌گذاری بر افزایش اشتغال تاثیرگذار است. بنابراین براساس مبانی نظری موجود، توسعه مالی به‌صورت مستقیم بر رشد اقتصادی و به‌صورت غیرمستقیم بر افزایش اشتغال تأثیر می‌گذارد. در این زمینه نیز دیدگاه‌های اقتصاددانان با تأیید این بحث نشان می‌دهد که افزایش دسترسی به ابزارهای

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

مالی و نهادهای مالی، هزینه اطلاعات و مبادلات در اقتصاد را کاهش داده و سبب رشد اقتصادی، افزایش سرمایه-گذاری، افزایش اشتغال و در مجموع افزایش رفاه اجتماعی در یک جامعه می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۷).

در ارتباط با متغیر اندازه بازار و نقش آن در قدرت ملی می‌توان اذعان نمود که اندازه بازار یعنی تعداد افراد در یک بازار خاص که خریداران بالقوه یا فروشندگان یک محصول یا خدمات هستند. به عنوان یک قاعده عمومی، بازار های بزرگ‌تر بهتر از بازارهای کوچک با رشد بالا هستند. همچنین بازارهایی که حتی پتانسیل از هم گسیختگی توسط نوآوری را دارند، نسبت به بازارهای راکد ترجیح دارند. بنابراین هرچه اندازه بازار بزرگتر باشد مسلما در زمینه نوآوری و ارائه خدمات بهتر عمل می‌نماید و این عامل می‌تواند بر رشد اقتصادی و در نهایت قدرت ملی کشورها تاثیرات بسزایی داشته باشد.

در ارتباط با متغیر پیچیدگی اقتصادی[1] می‌توان بیان نمود که، خصوصیت ساختاری شبکه تجارت جهانی به گونه‌ای است که می‌تواند تفاوت در توسعه اقتصادی کشورها را به خوبی به نمایش گذارد. هدف از ارائه متغیر پیچیدگی اقتصادی نشان دادن اطلاعات مربوط به توانایی‌های تولیدی کشورها در مقایسه با میزان صادراتشان است (Mealy, 2018: 2). این عامل به عنوان مولفه‌ای تاثیرگذار در پیش بینی رشد اقتصادی کشورها، فقر، رفاه اجتماعی و تعیین میزان درآمد متوسط مورد استفاده محققان بسیاری قرار می‌گیرد (Hartmann, 2016: 1). در این ارتباط می‌توان بیان نمود که، از سال ۲۰۰۶ گروهی از محققین شروع به تحقیقات گسترده‌ای در زمینه بررسی رشد اقتصادی بر اساس ایده «فضای محصولات» و «پیچیدگی اقتصادی» نمودند. تحقیقات این گروه نشان داد که مهم‌ترین عامل تعیین کننده میزان توسعه‌یافتگی هر کشور، میزان دانش شکل گرفته در آن کشور می‌باشد. دانش به معنی مجموعه جریانی از تجارب، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام یافته است که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات و اطلاعات جدید به دست می‌دهد. باتوجه به نقشی که دانش در ایجاد همکاری بین افراد، نهادها سیاستگذاران یک جامعه ایفا می‌نماید می‌تواند باعث پیچیدگی اقتصادی گردد. در این تعریف پیچیدگی اقتصادی به عنوان یکی از عوامل ایجاد کننده ثروت برای کشورها در نظر گرفته می‌شود (Stojkoski, 2017: 2). بر طبق تحلیل این گروه میزان دانش کشورها نسبت مستقیمی با انواع محصولات تولید شده در آنها دارد. تولید هر محصول نیازمند دارا بودن دانش‌های خاصی است و هرچه تولیدات یک کشور متنوع‌تر باشد؛ یعنی دانش شکل گرفته و مجتمع شده بیشتری در آن کشور وجود دارد؛ بنابراین اقتصادهای پیچیده اقتصادهایی هستند که می‌توانند حجم زیادی از دانش مرتبط را در قالب شبکه‌های بزرگ افراد گرد هم جمع کرده و مجموعه متنوعی از کالاهای دانش‌بر را تولید نمایند. به عکس، اقتصادهای ساده پشتوانه ضعیفی از دانش مولد داشته و کالاهای کمتر و ساده-تری تولید می‌نمایند که مستلزم شبکه کوچک‌تری از تعاملات می‌باشد (پژم، ۱۳۹۴: ۲۲).

آزادسازی اقتصادی[2] شامل مجموعه اقداماتی به منظور برداشتن کنترل‌های دولتی از بازارهای مالی، کالاها و خدمات، کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار است. عمده این اقدامات عبارتند از: برداشتن کنترل از

[1] Economic complexity
[2] Economic liberalization

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

بازارهای مالی، رهاسازی قیمت‌های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای بازار، حذف یارانه و تعدیل قیمت‌های یارانه‌ای، گرایش به نظام ارزی شناور مستقل یا شناور نظارت شده، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خارجی و برداشتن انواع تعرفه‌های تجاری و محدودیت مقداری، استفاده از مشارکت سرمایه گذاران و استقراض خارجی و آزاد شدن نرخ سپرده‌های بانکی (شریفی، ۱۳۹۱: ۵). بنابراین می‌توان بیان نمود که آزادی اقتصادی اساسی‌ترین رکن سیستم سرمایه‌داری محسوب می‌گردد که، صلاحیت و اعتبار آن، اعتبار سیستم سرمایه-داری را تایید می‌نماید. این سیستم هم معایب و هم محاسنی خواهد داشت ولی به نظر می‌رسد با توجه به توانایی-هایی که درون این نظام یا همان اقتصاد بازار وجود دارد رفاه بیشتری شکوفا شده و آزادی انسان‌ها تحقق یابد (نجاری، ۱۳۸۸: ۲). در واقع ملت‌هایی با درجه بالاتری از آزادی اقتصادی می‌توانند سرمایه گذاران خارجی بیشتری را جذب نموده و با تاکید بر دانش و توانایی این افراد شانس بالایی برای ایجاد یک سیستم بازتر اقتصادی برای سازماندهی استعدادها و تلاش‌های افراد به سمت تولید کالا و خدمات مورد نیاز شهروندان، ترویج نوآوری از طریق صرفه‌جویی در منابع و ... فراهم آورند (Miller, 2017: 11). در نهایت این امر می‌تواند با فراهم آوردن شرایط زندگی بهتر برای افراد یک جامعه و سرمایه گذاران داخلی و خارجی و ... به عنوان عاملی موثر بر قدرت ملی ایفای نقش نماید.

جدول (۲). شاخص‌های سطح تولید قدرت اقتصادی

شاخص	منابع
توسعه بازار سرمایه	پایگاه داده فدراسیون جهانی مبادلات (۲۰۱۶)
سطح تکنولوژی	بانک جهانی (۲۰۱۶)
اندازه بازار	World Federation of Exchanges database(۲۰۱۶)
رقابت اقتصادی	گزارش رقابت‌های جهانی (۲۰۱۷)
صادرات سطح تکنولوژی بالا	بانک جهانی (۲۰۱۶)
پیچیدگی اقتصادی	OECD(۲۰۱۷)
آزادی اقتصادی	گزارش موسسه Cato (۲۰۱۷)

منبع: نگارندگان

شاخص مبادله تولید و تاثیرات آن بر قدرت ملی

در ارتباط با نقش تراز تجاری در قدرت ملی کشورها می‌توان بیان نمود که تراز پرداخت‌های خارجی، معیار مهمی برای سنجش و اندازه گیری جریان مبادلات تجاری و انتقال سرمایه در یک اقتصاد باز است. اجزای مهم آن حساب جاری (تفاضل بین صادرات و واردات کالاها و خدمات) و حساب سرمایه می‌باشد، که برای کشورهای در حال توسعه تراز پرداخت‌ها و وضعیت تراز حساب جاری از مهم‌ترین متغیرها و محدودیت‌های استراتژیک اقتصاد کلان به شمار می‌رود (فطرس، ۱۳۹۴: ۴۴). بهره‌مندی از تراز تجاری مناسب و مثبت، رشد اقتصادی و کنترل تورم را به دنبال دارد بنابراین به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر قدرت ملی کشورها تاثیرگذار است. زیرا از تراز تجاری مثبت می-

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

توان در راستای ریشه کن نمودن فقر و افزایش دستمزدها استفاده نمود. از سویی دیگر تراز تجاری مثبت به شرکت‌ها این فرصت را می‌دهد که به سرمایه‌گذاری در نقاط مختلف جهان بپردازند و سبب افزایش درآمد و ایجاد اشتغالزایی شوند.

در ارتباط با واردات موادغذایی می‌توان اذعان نمود، باتوجه به نقشی که موادغذایی در اقتصاد کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه یافته ایفا می‌نماید توجه به این متغیر و نقش آن در قدرت ملی از اهمیت وافری برخوردار است. در سال ۲۰۰۱ واردات مواد غذایی LDCs و NFIDCs توسط کشورها به ترتیب ۴,۸میلیارد دلار و ۱۰,۱ میلیارد دلار بود. این میزان در مقایسه با سال ۱۹۹۶به دو برابر خود رسیده بود. در طول دهه‌های اخیر نیز رشدی برابر با ۶٪ در سال را تجربه نموده است و انتظار می‌رود این رقم افزایش یابد (FAO, 2011). امروزه امنیت غذایی یک مسئله مهم برای کشورهای ثروتمند و فقیر محسوب می‌شود. طبق گزارش سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ قیمت موادغذایی افزایش یافته است. چنین افزایشی ممکن است برای برخی از کشورها، به ویژه صادرکنندگان برتر مفید باشد. با این حال بسیاری از کشورهای فقیر از این منظر در نقطه ضعف و وابستگی قرار می‌گیرند و این عامل می‌تواند به عنوان اهرم فشاری علیه اینگونه کشورها برای دستیابی قدرت‌های برتر به اهداف سیاسی، اقتصادی و ... قرار گیرد. البته ذکر این نکته لازم است که ایالات متحده یکی از بزرگترین اقتصادهای جهان است واردات موادغذایی برابر با ۱۳۳میلیارد دلار می‌باشد. همچنین چین ۱۰۵,۲۶میلیارد دلار، آلمان ۹۸,۹۰میلیارد دلار، ژاپن ۶۹,۸۶میلیارد دلار، انگلیس ۶۶,۵۴ میلیارد دلار، هلند ۶۴,۳۸میلیارد دلار، فرانسه ۶۲,۲۹میلیارد دلار، ایتالیا ۵۱,۳۴میلیارد دلار، بلژیک۴۰,۸۷میلیارد دلار و روسیه ۳۸,۶۰میلیارد دلار می‌باشد. همانگونه که مشاهده می‌شود بزرگترین و ثروتمندترین کشورهای جهان نیز در صدر واردات مواد غذایی قرار دارند که این عامل نشان دهنده توجه به میزان تقاضای شهروندان و ایجاد تنوع و رفاه برای مصرف کنندگان و نه برای جلوگیری از گرسنگی جمعیت است. بنابراین بالابودن واردات موادغذایی توسط این کشورها نشان دهنده ناامنی غذایی نمی‌باشد (Cago, 2017: 2).

صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات شامل کامپیوتر و تجهیزات جانبی، تجهیزات ارتباطی، تجهیزات الکترونیکی مصرفی، قطعات الکترونیکی و دیگر کالاهای اطلاعاتی و فناوری است. باتوجه به نقشی که انقلاب اطلاعاتی و دیجیتالی در شیوه یادگیری، کسب و کار افزایش درآمد ایفا می‌نماید می‌تواند (UNCTAD, 2017: 2) از اهمیت بسزایی در افزایش قدرت ملی کشورها برخوردار باشد. زیرا فناوری اطلاعات و ارتباطات جدید فرصت‌های بزرگی را برای پیشرفت در تمام حوزه‌های زندگی در کشورها در زمینه ایجاد فرصت‌های رشد اقتصادی، بهبود سلامت، ارائه بهتر خدمات، آموزش از راه دور و پیشرفت‌های اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورد.

از سویی دیگر، رشد بازارها جهانی، تمایل شرکت‌ها به حضور در بازارهای جهانی را افزایش داده است و اغلب آنها بر صادرات به بازارهای خارجی متمایل شده‌اند. این موضوع باعث شده است تا شرکت‌ها دریابند که صرف نظر از کشور، اندازه یا نوع صنعت، مشارکت کردن در بازارهای جهانی یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است (رضایی، ۱۳۹۶: ۵۶). حضور موفق در بازارهای جهانی یکی از شاخص‌های اصلی رشد اقتصادی کشورها به ویژه در دنیای

امروز است و اهمیت آن بر هیچ کس پوشیده نیست. موفقیت در تسلط بر بازارهای جهانی می‌تواند توانایی‌ها و ظرفیت‌های مالی بنگاه‌ها و شرکت‌ها را به عنوان عامل موفقیت در نقدینگی، روند فروش و سود، سرمایه، نسبت‌های مالی و ... در پی داشته باشد (احمدیان، ۱۳۹۵: ۶). در واقع می‌توان بیان نمود که تحولات و تغییرات در بازارهای جهانی منشا تهدیدات و ایجاد فرصت‌های اقتصادی و بازرگانی فراوانی می‌باشد. جایگاه کشورها در این بازارها ارتقا می‌یابد که در موقعیت بهتری برای مقابله با تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌ها قرار دارند. بنابراین هرچه کشوری تسلط بیشتری بر بازارهای بین‌المللی داشته باشد در عرصه منطقه‌ای و جهانی از قدرت ملی بالاتری برخوردار خواهد بود.

سیاست‌های ضدانحصاری یک ابزار سیاسی مهم در زمینه رقابت است که بسیاری از سیاست‌های عمومی کسب و کار را در بسیاری از کشورها در بر می‌گیرد (Pulkkinen, 2017: 553). قوانین مرتبط با انحصارگری برای ایجاد رقابت عادلانه طراحی می‌گردد. این چارچوب قانونی مبتنی بر ایده رقابت آزاد و دسترسی آزاد به بازارهای داخلی و خارجی می‌باشد که به صورت موثر مصرف کنندگان را برای دسترسی به کالاهای با کیفیت برتر و مقرون به صرفه تشویق می‌نماید (Loncar, 2013: 118). بنابراین میزان موفقیت در اجرای سیاست‌های ضدانحصاری در کشورهای مختلف جهان می‌تواند بر قدرت ملی آنها تاثیرگذار باشد. در ارتباط با نقش موانع تجاری در قدرت ملی کشورها می‌توان اذعان نمود که امروزه گسترش تجارت، سرمایه‌گذاری‌ها و وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر در عرصه بین‌المللی، جهانی شدن فعالیت‌های بنگاهی و بین‌المللی شدن فرایند تولید به عنوان پدیده‌ای فراملیتی جلوه‌هایی از اقتصاد و صنعت در نظام جدید اقتصاد جهانی را رقم زده است. در چنین شرایطی آزادسازی‌های تجاری در سطوح منطقه‌ای درقالب پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی انجام می‌گیرد. این ترتیبات تجاری همگی بر این اصل استوار می‌باشند که منافع مشارکت کنندگان را اعتلا دهند و سبب ادغام یا همگرایی تجاری در عرصه منطقه‌ای و جهانی شوند. این تحولات در اقتصاد جهانی منجر به بهبود موقعیت نسبی کشورهای در حال توسعه شده است، اما تمام کشورها به‌طور یکسان از این شرایط بهره‌مند نیستند. به طور حتم اقتصادهایی که دارای مزیت نسبی در تولید کالا و خدمات هستند و همچنین قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی آنها با اعمال سیاست‌های مناسب داخلی و مرزی افزایش یافته است از تجارت منفعت بیشتری بهره می‌برند. ضمن اینکه وجود مقررات آسان‌تر و امکانات زیربنایی بهتر جهت صادرات و وادرات کالا و استفاده از کشتی‌ها و هواپیماهای بزرگ به منظور کاهش مدت زمان صدور و ورود کالا از جمله اقداماتی است که کشورهای مختلف برای گسترش تجارت خارجی خود صورت داده‌اند (رضایی پور، ۱۳۹۱: ۱۶۰). در واقع، سیاست‌های آزادسازی تجاری، دو هدف اساسی را برای کشورها به دنبال دارد، اولین هدف آن، کمک به افزایش رشد اقتصادی و اشتغال از طریق بهبود تخصیص منابع و کارایی اقتصادی می‌باشد. دومین هدف عمده آن، کمک به بهبود در تراز پرداخت‌ها به وسیله تقویت قدرت رقابتی بخش صادراتی اقتصاد و رشد و گسترش صادرات و کاراتر کردن بخش کالاهای جانشینی واردات است (صمیمی، ۱۳۹۲: ۲). بنابراین از بین بردن موانع تجاری متناسب با آزادسازی تجاری مانند بازرسی پیش از حمل و نقل، تشریفات گمرکی، ثبت سفارش و مراحل آن، صادرات کالا و مراحل آن، اخذ مجوز صدور، صدور فاکتور و اخذ گواهی مبداء،

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

اظهار کالا به گمرک و کارت بازرگانی و روند اخذ آن، محدودیت واردات، تدارکات دولت و ... (Lighthizer, 2018: 17) می‌تواند بر توسعه و رونق اقتصادی کشورها تاثیرات مثبت یا منفی ایفا نماید و سبب افزایش یا کاهش قدرت ملی آنان در عرصه بین‌المللی گردد.

جدول (۳). شاخص‌های مبادله تولید قدرت اقتصادی

شاخص	منابع
صادرات	بانک جهانی (۲۰۱۶)
واردات	بانک جهانی (۲۰۱۶)
کیفیت ارائه خدمات	گزارش اقتصاد تجاری (۲۰۱۷)
موازنه تجاری	گزارش اقتصاد تجاری (۲۰۱۷)
سهم واردات مواد غذایی از تولید ناخالص داخلی	بانک جهانی (۲۰۱۷)
کل کالاهای صادراتی ICT از صادرات کل	UNCTAD(۲۰۱۷)
توریسم	UNWTO (۲۰۱۸)
میزان تسلط بر بازارهای جهانی	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
اثربخشی سیاست ضد انحصار	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
موانع تجاری	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
تأثیرات تجاری قوانین مربوط به FDI	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
مالکیت خارجی	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)

منبع: نگارندگان

شاخص ثروت و منابع مالی و تاثیرات آن بر قدرت ملی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آن نوع از سرمایه‌گذاری است که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان-دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) می‌باشد (رنجبر، ۱۳۹۴: ۲۵). مزایای سرمایه گذاری مستقیم خارجی شامل جذب سرمایه، تکنولوژی، دانش روز، نوآوری، افزایش بهره وری (Gonzalez, 2017: 1) بالا بردن توانایی مدیریت، افزایش اشتغال، بهبود تراز پرداخت‌ها و افزایش قدرت رقابتی بین کشورها است. البته باید این نکته را نیز در نظر داشت که ضعف مدیریت و سیاست‌های نادرست در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند پیامدهای منفی از قبیل ایجاد ساختار بازار انحصاری در بلندمدت، انهدام صنایع با مقیاس تولید کوچک و نیز تشدید بیکاری را به همراه داشته باشد. با توجه به نقش مهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و گسترش فرایند جهانی شدن، کشورهای جهان طی دهه‌های اخیر برای جذب این نوع سرمایه، برنامه‌ریزی و تلاش‌های گسترده‌ای انجام داده‌اند. در واقع بازار جهانی جذب این سرمایه‌ها، بسیار رقابتی گشته است. این رقابت به ویژه میان کشورهای درحال توسعه با توجه به لزوم دستیابی سریع به توسعه و کمبود منابع مالی بیشتر شکل گرفته است. این گونه کشورها دنبال جذب انواع سرمایه هستند و بدین منظور تمهیدات گوناگونی برای جذب این نوع سرمایه‌ها به کار می‌برند (مشیری، ۱۳۹۱: ۲).

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

در واقع چارچوب سیاستی که کشورها برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نظر می‌گیرند شامل ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، قوانین ورود و انجام عملیات تولیدی، استانداردهای رفتار با شعب خارجی، سیاست‌های مربوط به وظایف و ساختار بازارها، موافقتنامه‌های بین‌المللی در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سیاست خصوصی-سازی، سیاست‌های تجاری (تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای) و سیاست مالیاتی است (زمردیان، ۱۳۹۷: ۲۲۷). FDI ورودی می‌تواند ظرفیت صادرات کشور میزبان را افزایش دهد و باعث شود که کشور در حال توسعه درآمدهای ارزی بیشتری را جذب کنند. این نوع سرمایه‌گذاری با ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش انتقال تکنولوژی مرتبط بوده و باعث بهبود کلی رشد اقتصادی در کشورهای میزبان می‌شود. بنابراین تجارت و جریان‌های ورودی FDI به‌عنوان عواملی مهم در فرایند رشد اقتصادی شناخته می‌شوند (طیبی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). به عنوان مثال بسیاری از کشورهای در حال توسعه ازجمله زامبیا این نوع سرمایه‌گذاری را به عنوان یک منبع مناسب در جهت رشد درآمدها، تقویت اشتغال، کاهش فقر، نوسازی و رشد اقتصادی می‌دانند. داده‌های آماری نشان می‌دهد ارزش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور از ۰,۰۹میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۱,۹میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱رسیده است که این امر با رشد اقتصادی این کشور در ارتباط مستقیم قرار دارد (Libanda, 2017: 2). باتوجه به مزیت‌ها و امور زیربنایی که برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی توسط کشورها برشمرده شد می‌توان اذعان نمود کشوری که دارای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری است از لحاظ سیاسی و اقتصادی و ... از ثبات بالاتری برخوردار بوده است و این امر نشان‌دهنده قدرت ملی بالاتر در عرصه منطقه‌ای و جهانی خواهد بود.

کمبود سرمایه و منابع داخلی دولت‌ها را وادار می‌نماید تا به دنبال منابعی باشند تا به کمک آن به سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را شتاب دهند؛ یکی از مهمترین راه‌های تأمین این سرمایه استقراض خارجی است. در واقع استقراض و کمک‌های خارجی به عنوان منبع درآمد قابل توجهی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته می‌شود. کشورهای در حال توسعه معمولا با محدودیت منابع و درآمد مواجه هستند، از این‌رو برای جبران کسری بودجه به منابع خارجی نیازمند می‌شوند. از دهه۱۹۵۰کشورهای در حال توسعه برای تقویت رشد اقتصادی خود از منابع مالی خارجی بهره برده‌اند. البته وجود سرمایه به تنهایی برای توسعه اقتصادی کافی نمی‌باشد و استفاده بهینه از سرمایه استقراض شده و دستیابی به توسعه اقتصادی نیازمند مدیریت کارآمد در سطح کلان اقتصادی است. در این مسیر فقط کشورهایی با برنامه توسعه مشخص و منظم می‌توانند حداکثر استفاده را از این منابع داشته باشند. به گفته بانک جهانی، کل بدهی‌های خارجی کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است و از ۴۱۱,۴میلیارد دلار به ۵۲۳,۴میلیارد دلار در دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۲رسیده است. این امر می‌تواند از سویی مانع بزرگی برای رشد اقتصادی یک کشور به علت پرداخت بالا بدهی خارجی، مخارج عمومی سنگین و ارز خارجی برای بازپرداخت آن عمل نماید (Malik, 2010: 89). به عنوان مثال می‌توان بیان کرد که در دهه ۱۹۸۰پاره‌ای از کشورها به ویژه کشورهای آمریکای لاتین مانند برزیل، آرژانتین و مکزیک در بازپرداخت بدهی‌های خود با مشکل مواجه شدند و این امر به بحران اقتصادی منجر شد (یدالله زاده، ۱۱۳۹۴: ۱۳۸). از سویی دیگر، دولت پاکستان با دارا بودن حجم بالایی از بدهی خارجی که ۷۲,۳٪ از تولید ناخالص داخلی این کشور را به خود اختصاص داده است از مشکلات اقتصادی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

مانند کاهش رشد اقتصادی، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، بیکاری بالا، کاهش نرخ رشد، افزایش تورم و کاهش سرمایه گذاری روبرو بوده است و این امر نیز به صورت مستقیم بر کاهش رشد برنامه‌های توسعه اجتماعی تاثیرات منفی داشته است (Lashari, 2017: 285). بنابراین بدهی خارجی به صورت مستقیم و غیرمستقیم دارای تاثیرات مثبت و منفی بر قدرت ملی کشورها از طریق تاثیر بر رشد اقتصادی، پس انداز ملی، سرمایه‌گذاری ملی، بهره وام و ... است.

ذخایر ارزی در واقع مازاد پول و سرمایه‌ای است که یک کشور آن را به پول‌های خارجی، اوراق قرضه یا سایر اوراق بهادار تبدیل می‌کند. این مازاد برای یک کشور تراز تجاری مثبتی را در ارتباط با سایر کشورها رقم می‌زند. به گفته صندوق بین المللی پول ذخایر ارزی بین المللی آن دارایی‌های خارجی است که به راحتی در اختیار مقامات دولتی برای تامین نیازهای مالی، مداخله در بازارهای ارز در جهت تاثیرگذاری بر نرخ ارز و سایر اهداف مرتبط با صندوق بین المللی پول قرار می‌گیرد (Kashif, 2017: 606). در واقع کشورها به منظور داشتن درک شرایط خاص محیط جهانی توام با چالش‌های گوناگون اقتصادی و بحران‌های مالی، و در نتیجه نوسانات مختلف درآمدی برای آنها و نیز در مواردی فقدان انعطاف‌پذیری لازم در نظام‌های ارزی و وجود محدودیت‌های گوناگون دیگر مانند عدم دسترسی کافی به بازارهای مالی جهانی و کنترل‌های سرمایه‌ای و ... بر ضرورت انباشت این ذخایر پی برده‌اند. بنابراین، این ذخایر ارزی به عنوان یک منبع دارایی ملی و همچنین ابزاری در حوزه سیاست‌های پولی و ارزی جهت حمایت از پول ملی و ثبات بازار تلقی می‌گردد. از سویی دیگر این ذخایر می‌توانند در جهت ارتقای اعتبار بین‌المللی این کشورها در بازارهای مالی خارجی و حفظ اعتماد و ایجاد اطمینان برای اعمال سیاست‌های پولی و ارزی آنها تاثیرات مثبتی داشته باشد (سلطان محمدی، ۱۳۹۵: ۶۱۱). در نهایت می‌توان بیان نمود که ذخایر ارزی بین‌المللی در واقع بخش مهمی از دارایی‌های بین‌المللی ذخیره شده توسط دولت‌ها محسوب می‌شوند این بخش از دارایی‌ها می‌توانند نقش مهمی در تقاضا در امور صادراتی، وارداتی، پرداخت بدهی خارجی، حفظ تعادل پرداخت، تضمین نرخ ثبات ارز، حفاظت از امنیت ملی را ایفا نمایند (Zhou, 2018: 2). از سویی دیگر، ذخایر ارزی بالا ضریب اطمینان سیاست پولی و همچنین نرخ ارز را بالا برده، ظرفیت بانک مرکزی برای دخالت در بازار ارز خارجی و کنترل هرگونه فعالیتی افزایش یافته و تثبیت نرخ فارکس برای ایجاد یک محیط اقتصادی مطلوب افزایش می‌یابد (Abid, 2017: 71). بنابراین این متغیر می‌تواند در قدرت ملی کشورها دارای تاثیرات مثبتی باشد.

در ارتباط با اصل تعادل بودجه دولت و نقش آن در قدرت ملی می‌توان اذعان نمود که این اصل به معنای حفظ موازنه بین درآمدها و مخارج است به طوری که دولت بتواند بدون استفاده از استقراض تعهدات مالی خود را بپردازد. بودجه دولت باید نه کسری و نه اضافه داشته باشد. این اصل از اصول مهم و قدیمی است که در تنظیم بودجه رعایت شده است (زارعی، ۱۳۹۱: ۵۹). پس برای حفظ تعادل بودجه دولت‌ها باید هزینه‌ها و درآمدهای خود را متعادل نمایند زیرا در غیر این صورت، این استراتژی منجر به فرسودگی سیاست‌های مالی می‌شود و رکود اقتصادی را در درازمدت افزایش می‌دهد (Ahmadov, 2018: 3). شاید بتوان گفت که این اصل متأثر از دیدگاه کلاسیک‌ها از دولت است که از نظر آنها دولت خوب آن است که حداقل درآمد را داشته و حداقل هزینه را انجام دهد و در امور اقتصادی دخالت نکند. در نتیجه استفاده از ابزار اقتصادی مثل سیاست کسر بودجه مورد قبول نبوده و بودجه

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

متعادل یک اصل تلقی می‌شده است. چنانچه وقتی که در دوره جنگ‌های انگلیس و فرانسه با ناپلئون در سال‌های ۱۸۱۵ و ۱۸۱۶ دولت انگلیس با کسر بودجه مواجه شد، دیوید ریکارد[1] و اقتصاددانان معروف کلاسیک انگلیسی آن را یک فاجعه و مضر به حال سلامت اقتصاد خواندند. امروز تقریبا بسیار نادر اتفاق می‌افتد که دولتی یک بودجه متعادل را اجراء نماید. معمولا دولت‌ها از نظر حسابداری برای حفظ تراز درآمدها و هزینه‌ها در شرایطی که با کسر بودجه مواجه هستند. قرضه دولت از مردم یا بانک مرکزی را منظور می‌نمایند و عمدتا از سیاست کسر بودجه برای ایجاد رشد اقتصادی استفاده می‌کنند. در بسیاری از نوشته‌های صاحب نظران، بودجه متأثر از اصل تعادل بودجه، اصل دیگری تحت عنوان «اصل تقدم درآمدها بر هزینه» مطرح می‌نمایند. به این مفهوم که ابتدا درآمدها باید مشخص شود و محاسبه گردند، سپس بر اساس پیشگویی درآمد، هزینه را پیش گویی نمایند تا از حد درآمد تجاوز ننموده و تعادل بودجه به هم نخورد بنابراین وجود تعادل در بودجه دولت می‌تواند با اصول رشد و توسعه اقتصادی کشورها در ارتباط باشد (وطنی، ۱۳۷۷: ۸۵).

جدول (۴). شاخص‌های مالی قدرت اقتصادی

شاخص	متغیر
میزان جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی	World Factbook(۲۰۱۶)
بدهی خارجی	گزارش سرمایه جهانی (۲۰۱۵)
سرمایه گذاری خارج از مرز	World Factbook(۲۰۱۷)
ثروت اتباع مقیم در خارج از کشور	
سرمایه گذاری دریافتی	World Factbook (۲۰۱۶)
ذخایر ارزی بین المللی	IMF(۲۰۱۸)
تعادل بودجه دولت	The World Factbook(۲۰۱۷)
هزینه‌های تجاری تروریسم	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
هزینه‌های تجاری جرایم و خشونت	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
دسترسی به سرمایه	گزارش سرمایه انسانی (۲۰۱۷)
نرخ مالیات کل	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)
توسعه بازارهای مالی	گزارش رقابت جهانی (۲۰۱۲-۲۰۱۳)

منبع: نگارندگان

یافته‌های میدانی تحقیق

محاسبه ضریب الفای کرونباخ

با توجه به این امر که در این مقاله از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده آلفای کرونباخ برای پرسشنامه بدین صورت سنجیده شده است: جدول(۵).

[1] David Ricard

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

جدول (۵). نتایج آزمون اعتبار پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ

ردیف	نام فاکتور یا مجموعه سؤالات	تعداد متغیر	آلفای کرونباخ
۱	شاخص های زیربنایی قدرت اقتصادی	۳۰	۰,۸۰۶
۲	شاخص های سطح تولید قدرت اقتصادی	۷	۰,۸۵۷
۳	شاخص های مبادله تولید قدرت اقتصادی	۱۲	۰,۷۶۹
۴	شاخص های مالی قدرت اقتصادی	۱۲	۰,۸۵۷

بعد از گردآوری شاخص‌های و متغیرهای دخیل در قدرت اقتصادی و طبقه بندی آنها در قالب چهار مولفه اصلی، پرسشنامه ای تدوین و در اختیار ۴۰محقق داخلی قرار گرفت. نمودارهایی که در ادامه ذکر می‌شوند بیان می‌کند تا دیدگاه محققان و صاحب نظران این حوزه در هر کدام از شاخص‌ها به چه صورت می‌باشد. شکل(۱) بیان می‌کند که در مولفه زیربنایی قدرت اقتصادی عواملی مانند زیرساخت‌های اقتصادی، تولید سرانه، تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد سالانه دارای بالاترین درجه اهمتی هستند و متغیرهایی مانند تعداد نیروی انسانی، ناشناخته بودن محیط کسب و کار، تولید انرژی الکتریکی، نرخ فعالیت اقتصادی زنان و سهم فقیرنشین در مصرف ملی درآمد دارای کمترین اهمیت هستند.

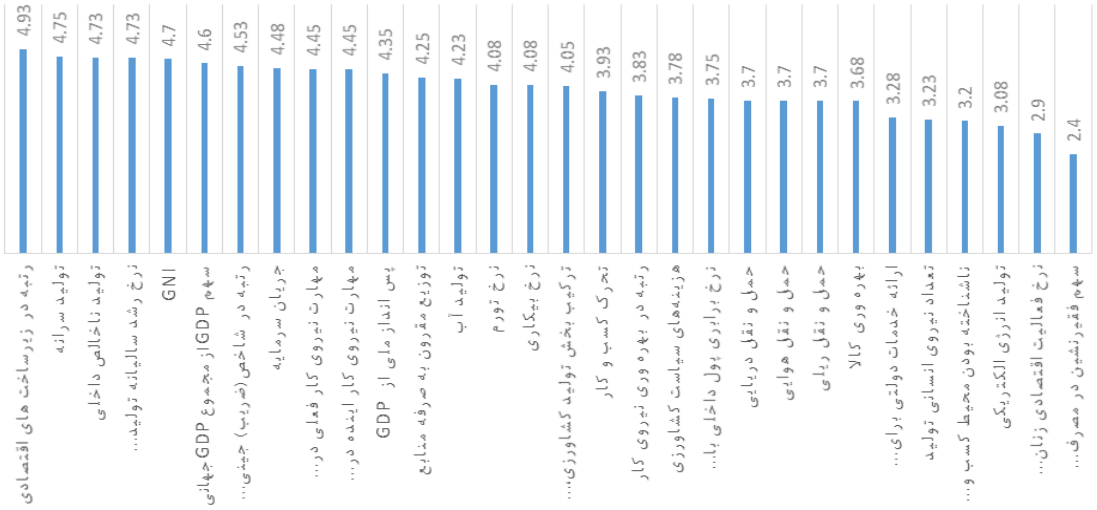

شکل (۱). ترتیب اهمیت مؤلفه‌های فاکتورهای زیربنایی قدرت اقتصادی

در شکل(۲) مولفه سطح تولید متغیر صادرات تکنولوژی سطح بالا و آزادی اقتصادی دارای بیشترین درجه اهمیت و اندازه بازار و رقابت اقتصادی دارای کم ترین درجه اهمیت هستند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

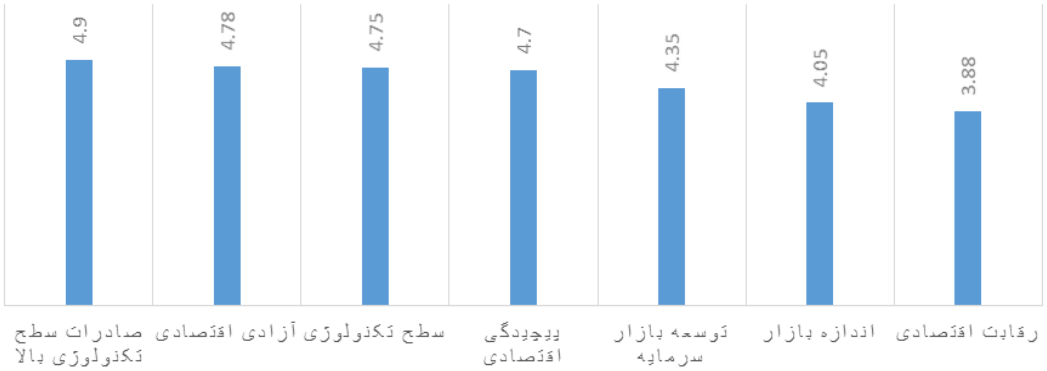

شکل (۲). ترتیب اهمیت مؤلفه های فاکتورهای سطح تولید قدرت اقتصادی

در شکل(۳) مولفه مبادله تولید متغیرهای وادرات مواد غذایی، صادرات، واردات، موزانه تجاری دارای بیشترین درجه اهمیت و توریسم و مالکیت خارجی دارای کم‌ترین درجه اهمیت می‌باشند.

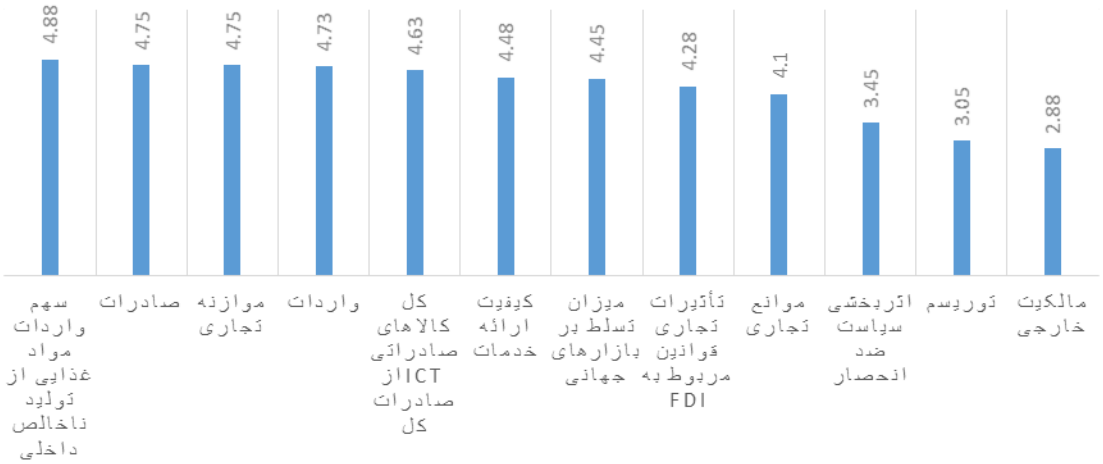

شکل (۳). ترتیب اهمیت مؤلفه های فاکتورهای مبادله تولید قدرت اقتصادی

در شکل(۴) مولفه مالی قدرت اقتصادی متغیرهایی مانند ذخایر ارزی، بدهی خارجی، جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارای بیشترین درجه اهمیت و هزینه های تجاری توریسم و جرایم خشونت آمیز دارای کم‌ترین درجه اهمیت هستند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

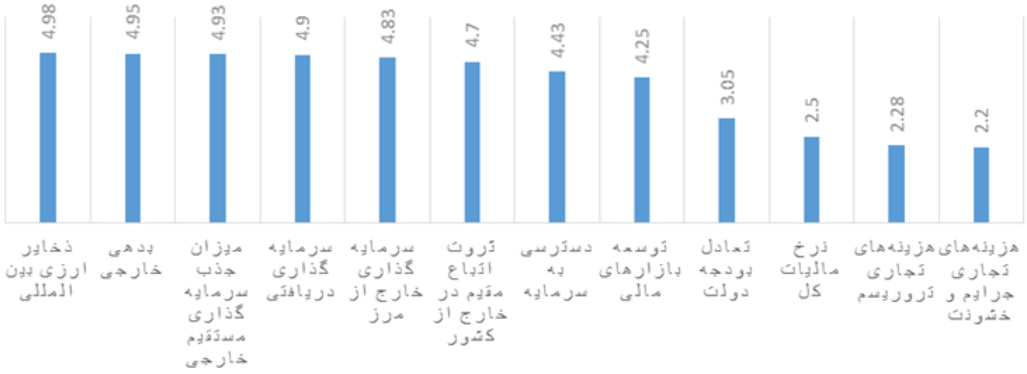

شکل (۴). ترتیب اهمیت مؤلفه‌های فاکتورهای مالی قدرت اقتصادی

نتیجه گیری

از آنجا که مدل‌های مختلفی جهت سنجش قدرت ملی کشورها وجود دارد می‌توان ملاحظه نمود که قدرت اقتصادی یکی از ابعاد مهم و تاثیرگذار بر قدرت ملی کشورها محسوب می‌شود که به سادگی نمی‌توان از آن مغفول ماند. امروزه می‌توان مشاهده نمود که مفهوم ژئواکونومی جایگزین مفهوم قدرت نظامی در عرصه جهانی به خصوص پس از جنگ سرد شده است. یعنی در جهان امروز دیگر قدرت نظامی مانند دوران گذشته در راس مفاهیم و عوامل قدرت آفرین یک کشور قرار ندارد. در واقع می‌توان اذعان نمود که یک قدرت اقتصادی برتر به سرعت می‌تواند در عرصه نظامی نیز به قدرت بالایی دست یابد. به دلیل تأثیرگذاری عوامل اقتصادی بر ابعاد گوناگون توسعه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... همواره شناسایی وضعیت اقتصادی و ارتباط آن با سایر مقوله‌ها از اهمیتی وافر برخوردار بوده است. از آنجا که اقتصاد از امور زیربنایی محسوب می‌گردد توجه به این عامل از اهمیت فراوانی برخوردار است. در عصر حاکمیت گفتمان ژئواکونومیک اقتصاد و قدرت ناشی از آن بیش از هر زمان دیگری در روابط بین الملل می‌تواند نقش ایفا نماید. حتی این موضوع می‌تواند به صورت بسزایی بر سیاست خارجی کشورها و روابط بین المللی آنها نیز داشته باشد. در واقع قدرت اقتصادی و ژئواکونومیک یکی از مهم‌ترین زیرشاخه‌های ژئوپلیتیک محسوب می‌گردد که در برگیرنده منابع انرژی و ابزارهای تولید کننده فراوری و انتقال تکنولوژی و در نهایت حفظ و سیادت منافع و اهداف ملی یک کشور در عرصه بین المللی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه این مفهوم دارای ابعاد مکانی فضایی است می‌تواند عرصه رقابتی گسترده‌ای را برای کشورها در سطح منطقه‌ای و جهانی به دنبال آورد و خود عاملی برای همگرایی یا واگرایی کشورها محسوب گردد. نقش اقتصاد و توجه به قدرت ژئواکونومیک در سیاست خارجی از این منظر حائز اهمیت است که کشورها از این طریق بتوانند همزیستی مسالمت آمیز را با سایر واحدهای سیاسی فضایی پیرامون خود برقرار نمایند و بنیان‌های اقتصادی را در عرصه ملی و منطقه‌ای شکوفا سازند. در واقع محیط بین الملل در عصر حاضر در خدمت اهداف اقتصادی قرار دارد و به صورت دوجانبه یا چندجانبه با سایر عوامل و عناصر در سطوح مختلف بر پایه ظرفیت‌های محیطی گوناگونی قرار گرفته و به ایفای نقش در افزایش یا

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

کاهش قدرت ملی کشورها می‌پردازد. بنابراین در عصر کنونی که عنصر اصلی اقتدار در عصر جهانی شدن متکی به عوامل اقتصادی، علمی و فناوری است، سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای کشورها باید به گونه‌ای سامان یابد که ضمن درک بسترهای ژئواکونومیک خود، بتواند از این عناصر برای افزایش اقتدار و توسعه ملی بهره گیرند. در این تحقیق به بررسی ۴مولفه اصلی قدرت اقتصادی از جمله امور زیربنایی، مبادله تولید، سطح تولید و امور مالی پرداختیم. نتایج نشان می‌دهد که توجه به زیرساخت‌های اقتصادی در قدرت از نقش بسیار زیادی برخوردار است. بنابراین می-توان بیان نمود، کشوری که در امور زیرساختی از شرایط بهتری بهتری برخوردار اس می‌تواند در عرصه ملی، منطقه‌ای و جهانی از نقطه نظر اقتصادی از قدرت بالایی برخوردار باشد. و از این عامل برای رسیدن به اهداف و منافع ملی خود به خوبی بهره برداری نماید. بنابراین کشورها می‌توانند با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت اقتصادی خود متناسب با آن عمل نمایند. زیرا بررسی وضعیت و متغیرهای دخیل در قدرت اقتصادی یک کشور می‌تواند نقش مهمی در توسعه آن کشور داشته باشد.

منابع

آذربایجانی، کریم، راکی، مولود، رنجبر، همایون (۱۳۹۰). **تأثیر متنوع‌سازی صادرات بر بهره‌وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی (رویکرد داده‌های تابلویی در کشورهای گروه دی هشت)**، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، **۱ (۳)**.

ابراهیم زاده، عیسی، موسوی، میرنجف، کشکولی، علی (۱۳۹۴). **آمایش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مناطق مرزی جنوب شرق کشور و راهبردهای توسعه آن مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان**، جغرافیا و توسعه، **۴۲ (۴): ۲۶-۱.**

احمدیان، علی، پارسا منش، مهرداد (۱۳۹۵). **شناسایی عوامل موثر بر حضور موفق شرکت‌های صادرکننده ایرانی در بازارهای خارجی (۱۳۹۶)**. بررسی‌های بازرگانی، (۷۷).

احتشامی، منوچهر (۱۳۸۲). **راه و راه سازی در ایران**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی

اکبریان، رضا، قائدی، علی (۱۳۹۰). **سرمایه گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و بررسی تاثیر آن بر رشد اقتصادی**، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و تسعه اقتصادی، **۱ (۳)**.

انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۷). **تهدیدات نرم الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده در برابر ایران**. گزارش جمهور، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی، شماره ۲۷-۲۶فروردین.

ایرانشاهی، سبحان، سجادی، سید جعفر، عباسپور، مجتبی (۱۳۹۳). **ارائه مدلی جهت بررسی و ارزیابی کیفیت خدمات در پایانه‌های کانتینری (موردکاوی: پایانه کانتینری بندر شهید رجایی بندرعباس)**، مجله علوم و فنون دریایی، **۱۳ (۳): ۸۰-۷۱.**

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

پژم، سید مهدی، سلیمی فر، مصطفی (۱۳۹۴). **بررسی تأثیر شاخص پیچیدگی اقتصادی بر رشد اقتصادی در 42 کشور برتر در تولید علم**، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، **۲ (۱۰): ۳۸-۱۶.**

پیشگاهی فرد، زهرا، قالیباف، محمدباقر، پورطاهری، مهدی، صادقی، علی (۱۳۹۰). **جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه راهبرد، **۲۰ (۶۱): ۲۱۱-۱۹۱.**

رضایی، رضا (۱۳۹۶). **تأثیرپذیری عملکرد صادراتی از استراتژی های بازاریابی بین الملل**، نشریه علمی -پژوهشی کاوشهای مدیریت بازرگانی، **۹ (۱۷): ۸۰-۵۵.**

رضایی پور، محمد (۱۳۹۱). **موانع بهبود شاخص تجارت فرامرزی در ایران**، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، **۱(۱): ۱۶۸-۱۵۹.**

زارعی، بهادر، زینی وند، علی، ماندگارف علی، دلشادزاده، جلیل (۱۳۹۲). **موقعیت راهبردی ژئواکونومیک خلیج فارس و رقابت قدرت‌ها در قرن بیست ویکم**، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، **۴۶ (۲): ۳۳۶-۳۱۱.**

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). **قدرت و منافع ملی مبانی-مفاهیم و روش‌های سنجش**، تهران: نشر انتخاب.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). ***اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک***، انتشارات پاپلی، مشهد.

حافظ نیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۹۳). **فلسفه جغرافیای سیاسی**، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۸). **مباحث نظری درباره قدرت ملی**، فصل اول پروژه تحقیقی: تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی ج. ا.ایران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

حسینی، میرزا حسن، قادری، سمیه (۱۳۸۹). **مدل عوامل مؤثر بر کیفیت خدمات بانکی**، چشم انداز مدیریت بازرگانی، **۳ (۳۶): ۱۱۵-۸۹.**

جونز، والتر (۱۳۸۹). ***منطق روابط بین‌الملل***. ترجمه داوود حیدری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی.

صمیمی، احمد، قادری، سامان، قادری، صلاح الدین، کتابی، طه (۱۳۹۲). **بررسی اثر باز بودن تجاری و جهانی شدن اقتصادی بر اشتغال: رویکرد آزمون کرانه‌ها**، فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی **۴ (۱۳): ۱-۲۶.**

رنجبر، صادق، رستمی، مهدی (۱۳۹۴). **بررسی عوامل موثر برجذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) در صنعت نفت و گاز ایران**، ماهنامه علمی- ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، **(۱۲۳): ۱۲۹-۱۲۵.**

زمردیان، غلامرضا، حنیفی، فرهاد، محبوبی، بابک (۱۳۹۵). **بررسی میزان تاثیر پذیری سرمایه گذاری مستقیم خارجی از توسعه بازار پولی و مالی در اقتصاد ایران**، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، **۷ (۲۵): ۲۴۳-۲۲۳.**

سلطان محمدی، حفظ الله (۱۳۹۵). **ضرورت‌ها، محدودیت‌ها و راهکارهای مدیریت ذخایر ارزی به ویژه در شرایط کنونی**، مجموعه مقالات بیست و چهارمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی.

سیف، الله مراد (۱۳۸۹). **برآورد راهبردی قدرت اقتصادی آمریکا**، فصلنامه آفاق امنیت، دوره جدید **۳ (۸): ۲۵-۴۰.**

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

شریفی، حسین، میرفتاح، مریم، ملا اسماعیلی، حسن (۱۳۹۱). **تحلیل نقش مولفه‌های آزادسازی اقتصاد بر عملکرد بازارهای مالی کشورهای منا**، پژوهش‌های پولی-بانکی، **۶ (۱۵): ۲۶-۱.**

ذولفقاری، مهدی، جمشیدی، مهسا، اسکندری، حمید (۱۳۹۵). **نقش بازار سرمایه کشور در رشد اقتصاد و ایجاد اشتغال**، انتشارات بورس اوراق بهادار.

طیبی، سید کمیل، پورشهابی، فرشید، خانی زاده، مجتبی، کاظمی، الهام (۱۳۹۲). **اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی و درجه بازبودن تجاری بر سرمایه گذاری داخلی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی 10 کشور در حال توسعه آسیایی)**، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی،**۲۱ (۶۷): ۱۵۲-۱۳۱.**

صادقی، هادی، محمدیان، محسن، عبداللهی، امیر، رشیدی، مسعود (۱۳۹۲). **برنامه ریزی توسعه تولید با در نظر گرفتن منابع انرژی تجدید پذیر و طرح‌های حمایتی با استفاده از الگوریتم جستجوی گرانشی**، مجله انجمن مهندسین برق و الکترونیک، **۱۲ (۱): ۵۸-۴۷.**

فاضلی، سمیرا، دودابی، امیر (۱۳۹۲). **تحلیل رابطه بین رشد اقتصادی و مصرف برق در ایران**، نخستین کنفرانس ملی انجمن انرژی ایران – ۱۳۹۲ تهران.

فتحی، علیرضا (۱۳۹۲). **جایگاه بهبود فضای کسب و کار در جذب سرمایه گذاری خارجی**، مجله اقتصادی، **۳(۴):۲۰-۵.**

فطرس، محمدحسن، سهیلی، کیومرث، حیدری، سمیرا (۱۳۹۴). **بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر تراز تجاری در کشورهای نفتخیز حوزه خلیج فارس**، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، **۱۷ (۱): صص۶۲-۴۳.**

عمادزاده، مصطفی، دلالی، رحیم، صمدی، سعید، محمدی، فرزانه (۱۳۸۸). **اثر کیفیت نیروی کار بر رشد اقتصادی در منتخبی از کشورها**، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، **۶ (۱): ۲۶-۱.**

گل کرمی، عابد، کریمی پور، یدالله، متقی، افشین، ربیعی، حسین (۱۳۹۶). **تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قابلیت‌های ژئواکونومیک**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، **۱۸ (۴۹).**

گرشاسبی، علیرضا، نعمت اللهی، سمیه (۱۳۹۶). **صادرات محصولات با فناوری بالا و قدرت‌های اقتصادی نوظهور؛ واکاوی مولفه‌های مرتبط در اقتصاد ایران**، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۸۱، بهمن و اسفند ۱۳۹۵.

متوسلی، محمود، مهربانی، وحید (۱۳۹۰). **اهمیت تأمین انرژی در توسعه اقتصادی و گذرا از اقتصاد دوگانه**، نشریه انرژی ایران، **۱۴ (۲): ۷۳-۵۹.**

مختاری هشی، حسین (۱۳۹۷). **تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران**، فصلنامه بین المللی انجمن ژئوپلیتیک ایران، **۱۴ (۵۰)**: **۸۲-۵۶.**

مجتهد، احمد، کرمی، افشین (۱۳۸۲). **ارزیابی متغیرهای مؤثر بر رفتار پس انداز ملی در اقتصاد ایران**، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، **۲۷ (۲۸): ۱-۲۸.**

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

مینایی، مهدی (۱۳۸۴). **بررسی جایگاه و موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در تامین و ارتقاء امنیت ملّی**، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، **۲ (۶): ۲۴-۱۳.**

مشیری، سعید، کیان پور، سعید (۱۳۹۱). **عوامل موثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی**، یک مطالعه بین کشوری (۲۰۰۷-۱۹۸۰)، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسیهای اقتصادی سابق)، **۹ (۲): ۱-۲۰.**

موسوی شفایی، مسعود، ایمانی، همت (۱۳۹۶). **دیپلماسی اقتصادی؛ رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران**، فصلنامه راهبرد، **۲۶ (۸۴): ۱۷۴-۱۴۹.**

موسوی شفایی، مسعود، ایمانی، همت، باقری، مهدی (۲۰۱۷). **دیپلماسی اقتصادی و قدرت یابی چین در عرصه جهانی**، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، **۱ (۲): ۸۰-۳۷.**

نجاری، مصطفی (۱۳۸۸). **شناسایی تاثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی و آزادی اقتصادی در کشورهای منتخب ۲۰۰۴-۱۹۹۴**، اولین همایش ملی اقتصاد، دانشگاه ازاد اسلامی واحد خمینی شهر.

نوروزی، اصغر، محمودیان، فرزاد (۱۳۹۴). **بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان‌یافته و اسکان نیافته (مطالعه موردی: شهرستان کوهرنگ)**، مجله علمی- پژوهشی برنامه ریزی فضایی، **۵ (۴): ۳۸-۱۷.**

وطنی، محمد حسن (۱۳۷۷). مجموعه قوانین و مقررات مالی، محاسبات. انتشارات دانشور.

هوشمندی، حمید (۱۳۸۹). **بررسی عوامل مؤثر بر پس انداز ملی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مدلسازی اقتصادی، ۲ (۶): ۲۰۴-.۱۷۷.**

یدالله زاده، ناصر علی، نظری، فاطمه (۱۳۹۴). **تأثیر بدهی خارجی و شاخصهای کلان بر رشد اقتصادی ایران**، فصلنامه اقتصاد مقداری، **۱۲ (۲): ۱۵۸-۱۳۷.**

Abid, Saba, Jhawar, Neelam (2017). **An Analysis of Foreign Exchange Reserves in India since 2001-2016**, IOSR Journal of Economics and Finance (IOSR-JEF) e-ISSN: 2321-5933, p-ISSN: 2321-5925.Volume 8, Issue 2 Ver. I (Mar. - Apr. 2017), PP 70-74.

Adams, Samuel, Edem, Kwame, Mensah, Klobodu, Richmond, Odartey Lamptey (2017). **The Effects of Capital Flows on Economic Growth in Senegal,** Margin—The Journal of Applied Economic Research 11 : **2 (2017): 1–22.**

Ahmadov, Vugar, Ulvi, Sarkarli, Ramiz, Rahmanov (2018). **Structural Budget Balances in Oil-Rich Countries: The Cases of Azerbaijan, Kazakhstan, and Russia,** Graduate Institute of International and Development Studies International Economics Department Working Paper Series.

Alley, Ibrahim (2017). **Capital flow surges and economic growth in sub-Saharan Africa: Any role for capital controls?,** African Development Bank Headquarter Building Rue Joseph Anoma 01 BP 1387, Abidjan 01 Côte d'Ivoire.

García,Víctor Adame, Javier, Alonso Meseguer, Luisa, Pérez Ortiz, David, Tuesta (2017). **Infrastructure and economic growth from a meta-analysis approach: do all roads lead to Rome?,** Working Paper, April 2017.

Gonzalez, Anabel, Zhenwei Qiang, Christine, Kusek, Peter (2017). **This chapter is from Global Investment Competitiveness** Report 2017/2018, doi: 10.1596/978-1-4648-1175-3.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]

Gunnarsson, Martin (2017). **THE BUSINESS BENEFITS OF ENTERPRISE MOBILE SOLUTIONS** ,The business benefits of enterprise mobile solutions

Idenyi, Odo Stephen, Anoke, Charity Ifeyinwa, Onyeisi, Ogbonna Samuel, Chukwu, Bishop Chibuzor (2017). C**apital Market Indicators and Economic Growth in Nigeria; An Autoregrssive Distributed Lag (ARDL) Model**, Asian Journal of Economics, Business and Accounting **2(3): 1-16, 2017**; Article no.AJEBA.32549.

Igan, Deniz, Ali, M. Kutan, Ali, Mirzaei (2016). **Real Effects of Capital Inflows in Emerging Markets**, International Monetary Fund WP/16/235.

Lashari, Ghazala Zafar, Akbar, Muhammad, Khan, Ruhma (2017). **Choice Between Domestic and Foreign Debt: A Case Study of Pakistan**, International Journal of Economics, Finance and Management Sciences, 2017; **5(6): 284-293**.

Libanda, Juliet, Linda Nyasa (2017). **The Effect of Foreign Direct Investment on Economic Growth of Developing Countries: The Case of Zambia,** British Journal of Economics, Management & Trade**16(2): 1-15**, 2017; Article no.BJEMT.30175.

Kashif, Mohammad, Sridharan, P., thiyagarajan, S. (2017). **Impact of economic growth on international reserve holdings in Brazil,** Brazilian Journal of Political Economy,. **37(3): 605-614**, July-September/2017.

Kataryniuk, Iván, Martínez-Martín, Jaime (2017). **TFP GROWTH AND COMMODITY PRICES IN EMERGING ECONOMIES**, Documentos de Trabajo,

Hulten, Charles (2018). **The Importance of Education and Skill Development for Economic Growth in the Information Era**, JEL O47, J24, I26

Huerta, Claudia De la, Garc´ıa-Cicco, Javier (2016). **Commodity Prices, Growth and Productivity: A sectoral view**, Universidad Cat´olica Argentina.

Hartmann, Dominik (2017). **Linking Economic Complexity**, Institutions, and Income Inequality, World Development (2017), http://dx.doi.org/10.1016/j. worlddev.2016.12.020

Mealy, Penny, Farmer, J. Doyne, Teytelboym, Alexander (2018). A **New Interpretation of the Economic Complexity Index**, arXiv:1711.08245v2 [q-fin.EC] 4 Feb 2018.

Malik, Shahnawaz, Khizar Hayat, Muhammad, Umer Hayat, Muhammad (2010). **External Debt and Economic Growth: Empirical Evidence from Pakistan**, International Research Journal of Finance and Economics ISSN 1450-2887 Issue 44 (2010).

Miller, Terry, Anthony, B. Kim, James, M. Roberts, Tori, Whiting (2017). **ECONOMIC FREEDOM**, OFINSTITUTE FOR ECONOMIC.

Pulkkinen, L. (2017). ***The Antitrust Laws of the US, Antitrust Policy.***

Stojkoski, Viktor, Kocarev, Ljupco (2017). Th**e Relationship Between Growth and Economic Complexity: Evidence from Southeastern and Central Europ**e, Munich Personal RePEc Archive.

Stupak, Jeffrey (2017). **Economic Impact of Infrastructure Investment**, Economic Impact of Infrastructure Investment, Congressional Research Service.

UNCTAD (2017). **The role of the services economy and trade in structural transformation and inclusive development**, Multi-year Expert Meeting on Trade, Services and Development Fifth session Geneva, 18–20 July 2017 Item 3 of the provisional agenda.

World Bank, 2015

Zhou, Guangyou, Yan, Xiaoxuan, Luo, Sumei (2018). **Financial Security and Optimal Scale of Foreign Exchange Reserve in China**, Sustainability 2018, 10, 1724; doi: 10.3390/su10061724.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2024-09-20]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.66.6.1]
[DOI: 10.52547/jgs.22.66.241]